

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره 818

جمعه 10 خرداد 1398، 31 مه 2019

منظور روحانی چیست؟

اصغر کریمی



سه نکته مهم در این اظهار نظر روحانی که گفته است "کوچک شدن سفره مردم مهم نیست، مهم اینه که دشمن بدون مردم از دفاع از نظام دست بر نمی‌دارند" نهفته است. اول اینکه صحبت روحانی رو به گذشته دردناک مردم نیست، دارد آینده سیاه تر را توصیف میکند. نکته دوم وضعیت دردناک خود حکومت و خالی بودن پشت آن است. و نکته سوم آدرس غلط دادن در مورد دشمن است.

دادن به تحریم اقتصادی است و حکومت در همه این زمینه ها ناتوان است. هیچ بخشی از حکومت نه مایل و نه قادر است هزینه بسیج و سپاه و اطلاعات و سایر اوباش سرکوب و یا هزینه مساجد و امام جمعه ها و تبلیغات مذهبی را کاهش دهد اینها ایدئولوژی حکومت و یا ابزار سرکوب و بقای حکومت اند. هیچ بخشی از حکومت قادر به رسیدگی به حتی یک لیست فساد اقتصادی که سالها قبل توسط پالیزدار علنی شد نیستند، چون کل بساط حکومت را به هم میریزد. پایان تحریم نیز منوط به تغییری قابل توجه در سیاست های منطقه ای حکومت است، اما حکومت - هیچ بخش آن - قادر به چنین تغییری نیست. کمک های مالی و نظامی و لجستیکی حکومت به جریانات تروریست اسلامی شرط دیگر بقای

اگر رئیس جمهور حکومت کوچکترین دورنمایی برای بهبودی در وضعیت اقتصادی مردم داشت این حرف را نمیزد. حکومت چنان به بن بست رسیده و چنان دستش خالی است که مقاماتش دیگر حتی وعده سر خرمن هم نمیتوانند بدهند. تا چند سال قبل لااقل وعده های توخالی میدادند و شاید واقعا فکر میکردند میتوانند تغییری هرچند جزئی در زندگی مردم ایجاد کنند. اما در سالهای اخیر فقط وضعیت سیاهی را مقابل مردم قرار میدهند. هر نوع بهبودی در قدرت خرید مردم مستلزم قطع یا کاهش هزینه نیروهای سرکوب و مذهب، کنترل فساد و یا پایان

صفحه 8

مبانی سیاست حزب کمونیست کارگری ایران برای تامین رهبری انقلاب و کسب قدرت سیاسی

میزگرد تلویزیون کانال جدید با حمید تقوایی، مصطفی صابر و اصغر کریمی

صفحه ۲

بحران رابطه آمریکا و جمهوری اسلامی

کاظم نیکخواه

صفحه ۹

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۱۰

ننگ بر گرانی و عاملین آن

بیمار و چه معلول، در این جامعه نباید گرسنه و محروم و حسرت کشیده بماند. ما انسانیم و زندگی انسانی حق بی چون و چرای تک تک ماست. این حکومت و این نظام ناعادلانه سرمایه داری را میتوانیم درهم بکوبیم و جامعه ای آزاد و شاد و مرفه و انسانی برپا داریم.

زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!
زنده باد سوسیالیسم!

حزب کمونیست
کارگری ایران

کارخانه و صف خرید و همه جا را به کانونهای اعتراض و حق خواهی تبدیل کنیم. تک تک ما مردم حق داریم نه فقط نان و میوه و خانه و کاشانه مناسبی داشته باشیم، بلکه زندگی مرفه و شاد حق ماست. برخورداری از همه نعمات حق ماست. برخورداری از پزشک و داروی رایگان حق ماست. تحصیل رایگان و مناسب حق همه فرزندان ماست. استراحت و تفریح و مسافرت و استفاده از آخرین دستاوردهای زندگی حق همه ماست. هیچ تک نفری چه شاغل چه بیکار چه

کارگران! معلمان! پرستاران! شاغلین! بیکاران! مردم محروم!
گرانی هرروزه و بیکاری و فقر و نداری زندگی همه ما را به درد و عذاب تبدیل کرده است. تا این حکومت دزدان و مفتخوران حریص و میلیاردر هست، اوضاع هرروز بدتر و بدتر خواهد شد. تنها راه نجات ما از این فقر و گرانی و حسرت و محرومیت این است که خشم مان را فرو نخوریم. اعتراض کنیم! اعتراض کنیم! به مفتخوران حاکم هرچه سزایشان است با صدای بلند بگوییم! کوچه و خیابان و

آئین نامه انتخابات کنگره

یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۱

در کنگره حزب کمونیست کارگری شرکت کنید!

شما عزیزان دعوت میکنیم در این کنگره شرکت کنید. برای ثبت نام و کسب اطلاعات لازم در مورد کنگره حزب با شماره تلفن و آدرس زیر تماس بگیرید:

تلفن تماس: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

در ایران، فعالین اجتماعی و دست اندرکاران رسانه ها دعوت میکنیم در این کنگره شرکت کنند. کنگره فرصت مناسبی برای آشنائی از نزدیک با حزب، سیاست ها، کادرها، نحوه فعالیت و تصمیم گیری ما در جریان این عالیترین اجلاس حزبی است. از همه

کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری در اکتبر 2019 برگزار میشود کنگره علنی است و ورود برای عموم آزاد است! یازدهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران در ماه اکتبر 2019 به طور علنی در آلمان برگزار میشود. از کلیه علاقمندان به سیاست

اطلاعیه ها در صفحه های ۱۰ تا ۱۴

مبانی سیاست حزب کمونیست کارگری ایران برای تامین رهبری انقلاب و کسب قدرت سیاسی

میزگرد تلویزیون کانال جدید با حمید تقوایی، مصطفی صابر و اصغر کریمی



اصغر کریمی

طلبی در جریان است. اینرا میشود در اعتصابات کارگران، معلمان در مبارزه زنان، در مبارزه برای بهبود محیط زیست و غیره دید. در همه عرصه های زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مبارزه و تلاش مردم در جریان است تا این جمهوری اسلامی را از سر راه خود بردارند. این خلاصه اوضاع سیاسی ایران است که قطعنامه حاضر آنرا فرض میگیرد.

ولی قطعنامه یک فرض دیگر هم دارد که آنهم مهم است. میگوید در این اوضاع و احوال مطلوب ترین شرایط برای کمونیستها که کل این وضع را تغییر دهند و یک دنیای بهتر و زندگی انسانی برای همه فراهم کنند، عبارت از انقلاب است. و اینرا هم مشاهده میکنیم که بیش از هر احتمال دیگر، بنظر میرسد که اوضاع ایران بسمت انقلاب میرود.

کیوان جاوید: چرا شرایط فعلی ایران حزب کمونیست کارگری را ملزم کرده که قطعنامه جدیدی با این مشخصات بدهد؟ کمبودی بوده؟ حزب را یا جامعه را میخواهد به خط کند؟ موضوع چیست؟

اصغر کریمی: حزب در شرایط های متفاوت قطعنامه میدهد و سیاست های خودش را اعلام میکند تا به فعالین و جامعه خط بدهد و خط معینی را بویژه در میان فعالین سیاسی و اجتماعی ادامه در صفحه ۳



مصطفی صابر

مصطفی صابر: جامعه ایران امروز دچار یک بحران شدید است، بحران جمهوری اسلامی. این رژیم است که از همان ابتدا دچار بحران و تناقض بود، و الان هم این بحران به حادترین شکل خود رسیده است. این بحران هم اقتصادی است، هم سیاسی است، هم فرهنگی است. از لحاظ اقتصادی در بن بست کامل اند و فقر و بدبختی و فلاکت به جامعه می پاشند. از لحاظ سیاسی یک رژیم ایدئولوژیک مبتنی بر اسلام سیاسی است و اختناق و استبداد که مورد قبول جامعه نیست. از لحاظ فرهنگی هم داریم می بینیم که مردم فرهنگ دیگری دارند و چطور هر روز فرهنگ جمهوری اسلامی را زیر سوال میبرند و این رژیم را به لرزه در می آورند. جمهوری اسلامی وصله نچسبی است که تحت شرایطی (که خارج از بحث امروز ماست) بورژوازی مجبور شد به آن در ایران تن بدهد و الان هم هنوز دارد از این رژیم حمایت میکند. ترامپ همین دیروز پررئوز گفت که با همین حکومت میتوانند خیلی خوب کار کنند. ولی مردم ایران این رژیم را نمی خواهند. میخواهند آنرا پایین بکشند و یک جنبش عظیم سرنگونی

رهبری نیازمند است. حل مسائل بخشهای مختلف جامعه در گرو به پیروزی رسیدن طبقه کارگر و خلع ید سیاسی و اقتصادی از سرمایه داری است.

بنابر این از نقطه نظر شرایط عینی اجتماعی و سیاسی زمینه برای تامین رهبری طبقه کارگر در راس اکثریت عظیم مردمی که در تداوم وضع موجود هیچ منفعتی ندارند فراهم است. و این شرایط امکان میدهد که حزب طبقه کارگر بتواند این رهبری را تامین کند.

نکته بعدی تاکید بر نقش و جایگاه حزب طبقاتی کارگران است. میدانید گرایشی در جنبش چپ وجود دارد که مبارزه سیاسی و حزب سیاسی طبقه کارگر را نادیده میگیرد و چنین تصور میکند که جنبش کارگری راسا و مستقیما میتواند بقدرت سیاسی برسد. در این میان سیاست و حزبیت حذف میشود. در حالی که حقیقت اینست و تجربه نیز بارها نشان داده است که طبقه کارگر برای آنکه در مبارزه سیاسی شرکت کند و نقش رهبری جامعه را ایفا کند به حزب طبقاتی خودش نیاز دارد. رهبری و پیروزی طبقه کارگر نهایتا از طریق حزبش متحقق میشود.

کیوان جاوید: در مقدمه این قطعنامه محتمل ترین راه پیروزی کمونیسم و طبقه کارگر در ایران از طریق انقلاب است و به شرایط انقلابی اشاره میکند. مصطفی صابر میخواستیم از شما بپرسم ویژگی های امروز جامعه ایران چیست؟

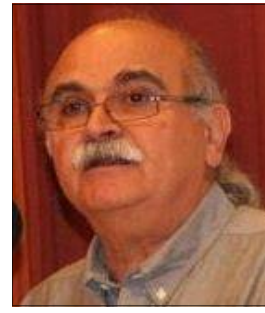


کیوان جاوید

کیوان جاوید: اخیرا دفتر سیاسی حزب قطعنامه ای را با این مضمون تصویب کرده است: مبانی سیاست حزب برای تامین رهبری انقلاب و کسب قدرت سیاسی. در این میزگرد حمید تقوایی، مصطفی صابر و اصغر کریمی شرکت دارند.

در بند اول قطعنامه گفته شده کاپیتالیسم ریشه همه مصائب جوامع در عصر حاضرست و طبقه کارگر از طریق حزب سیاسی اش میتواند به نماینده اکثریت عظیم مردم در مبارزه با جمهوری اسلامی تبدیل بشود. چرا در اولین بند بر این نکات تاکید شده است؟ اهمیت این بند چیست؟

حمید تقوایی: این بند دو نکته پایه ای را بیان میکند که در واقع چهارچوب و زیربنای کل قطعنامه است. نکته اول اینست که سرمایه داری ریشه و علت همه مسائل دنیای ما است. این حکم نسبتا جدید است. تا نیمه قرن گذشته، زمانیکه هنوز جوامعی با نظامهای ماقبل سرمایه داری، فئودالی یا نیمه فئودالی، وجود داشتند این حکم صادق نبود. در آن جوامع علت بسیاری از مسائل و مصائب مردم مناسبات ماقبل سرمایه داری بود. آن دوره کاملا سپری شده است. امروز همه مسائل از استثمار و بیحقوقی کارگر و ریاضتکشی اقتصادی و وضعیت معیشتی فلاکتبار اکثریت مردم تا سلطه مذهب تا بیحقوقی زن



حمید تقوایی

تا تخریب محیط زیست و غیره در ایران و در سراسر دنیا در نظام سرمایه داری ریشه دارد. این یک حکم اقتصاد سیاسی است که از سلطه کامل سرمایه داری ناشی میشود اما محدود به عرصه اقتصاد نیست بلکه نتایج و تأثیرات سیاسی اجتماعی گسترده ای دارد. اولین نتیجه اینست که آن طبقه ای که بخاطر هویت و موجودیت اجتماعی اش ضدسرمایه است، یعنی طبقه کارگر، میتواند رهبر کل جامعه باشد. بطور واقعی و عینی اینطور است. طبقه کارگر میتواند جوابگوی مساله ستمکشی زن، مساله مذهب، مساله فقر، مساله استثمار، مساله بیحقوقی ها، مساله سرکوب و غیره باشد. نتیجه دیگر اینست که نه فقط کارگران بلکه اکثریت عظیم مردم از سلطه سرمایه در رنجند. بخش عظیمی از مردم در همه جوامع و از جمله بخصوص در ایران از این وضعیت به ستوه آمده اند و خواهان تغییرات اساسی در وضع موجود هستند. بنابراین آن توده عظیم مردمی که همیشه مارکسیستها و کمونیستها معتقد بودند باید بعنوان رهبر آنها بمیدان آمد بطور عینی و واقعی به این

از صفحه ۱
 تحکیم کند و اتحادی حول این خط ایجاد کند. شرایط جامعه که عوض میشود باید این قطعنامه ها را به روز کرد، فاکتورهای جدید را وارد بحث کرد و شرایط جدید را توضیح داد. در ایران بویژه از دیماه ۹۶ اتفاقات مهمی افتاده، شاهد خیزش مردم در سطح کشور بودیم، شاهد دختران خیابان انقلاب و اعتصابات سراسری و اعتصابات بزرگی بودیم و جمهوری اسلامی بیشتر تحت منگنه مبارزه مردم قرار گرفته است. در چنین شرایطی حزب بار دیگر لازم است بگوید فاکتورهای اساسی چیست و این نوع کمونیسم و راه رسیدن به قدرت توسط طبقه کارگر و حزبش را ترسیم میکند، مرزش را با جنبش های سیاسی دیگر در جامعه مشخص میکند، توضیح میدهد که چرا جنبش های طبقه حاکم، جریانات ناسیونالیستی و ملی اسلامی نمیتوانند معضلات اساسی مردم را حل کنند و نمایندند کارگر، نماینده زنان و بخش اعظم جامعه باشند، و چرا کمونیسم و این حزب میتواند این تحولات و اکثریت جامعه را نمایندگی کند و راه را برای کسب قدرت طبقه کارگر و حزبش و اداره شورایی جامعه آماده کند. این فاکتورها در مبارزات روزمره مردم وسیعا مطرح است. امروز جامعه ایران در نقطه ای که یکسال دو سال یا چهارسال قبل بود نیست، بشدت جلو آمده است. قبلا شاهد اعتصابات سراسری و اعتصابات طولانی مدت نبودیم، اداره شورایی جامعه وسیعا مطرح شده، خواست های مردم روشن تر و شفاف تر در قطعنامه ها و اطلاعیه ها و سخنرانی فعالین مطرح میشود و میبینیم که چطور

جامعه خیز برداشته و جمهوری اسلامی را تحت فشار گذاشته است. در چنین شرایطی طبیعی است که یک حزب سیاسی نمیتواند به قطعنامه های سالها قبل خود اکتفا کند. قطعنامه جدید میدهد و گام های بعدی را مشخص میکند.

کیوان جاوید: حمید تقوایی، هر حزبی یک فلسفه وجودی دارد. فلسفه وجودی حزب کمونیست کارگری چیست؟ بعضی از احزاب میخواهند رفرمی در سیستم بوجود بیاورند، حزب کمونیست کارگری خواهان تغییر ریشه ای کل نظام سیاسی و اقتصادی موجود است. در ایران این دست به ریشه بردن به چه معنی است؟

حمید تقوایی: حزب ما با این هدف تشکیل شده است که انقلاب سوسیالیستی را در ایران سازمان بدهد و رهبری کند و به پیروزی برساند. انقلاب سوسیالیستی یعنی انقلابی که تیشه به ریشه نظام موجود میزند؛ یعنی نه تنها نظام جمهوری اسلامی را جارو میکند بلکه سیستم اقتصادی مبتنی بر سود و سودآوری و بردگی مزدی که جمهوری اسلامی حکومت پاسدار آنست را در هم میکوبد. ما برای "سوسیالیسم همین امروز" مبارزه میکنیم. برای لغو بردگی مزدی، برای لغو استثمار، برای رهایی همه انسانها و نه صرفا آزادیهای حقوقی و سیاسی، بلکه برای رهایی از جبر اقتصادی و برای بازگرداندن اختیار به انسان مبارزه میکنیم. این استراتژی و هدف حزب ما است و همه تبلیغات و سیاستها و فعالیتهای ما بر این مبنا استوار است.

خوشبختانه امروز می بینیم که جامعه هم دارد در این

جهت حرکت میکند. وقتی شعارهای مردم را مد نظر قرار بدهید می بینید خیلی رادیکال و عمیق است. مردم نه فقط علیه فقر و فلاکت بلکه علیه دره عظیم بین فقر و ثروت به میدان آمده اند. شعار "فلاکت عمومی حقوقهای نجومی" و یا "فلاکت عمومی دزدیهای نجومی" بیانگر این واقعیت است. مردم وقتی علیه فساد و دزدسالاری شعار میدهند و یا حتی وقتی در دفاع از حقوق کودکان و حقوق زنان و علیه حجاب و آپارتاید جنسی و علیه اعدام و شکنجه و غیره اعتراض میکنند، وقتی شعار اداره شورایی از جانب کارگران اعتصابی مطرح میشود و با استقبال عمومی مواجه میشود، اینها همه به این معنی است که آن افقی که حزب ما در تمام طول فعالیتش برای آن مبارزه کرده است و سعی کرده فضای سیاسی و گفتمان جامعه را به آن سمت ببرد تا حد زیادی موفق شده است.

شما نه تنها در اعتصابات کارگران و معلمان و بازنشستگان بلکه در اعتراضات مردم علیه تخریب محیط زیست، در همین اعتراض اخیر علیه فاجعه سیل، در دفاع از کودکان کار و خیابان، حتی در استقبال جامعه از هنر و فرهنگ مدرن و از موزیک و رقص و شادی، در همه این موارد مشاهده میکنید که آن سیاست و ارزشهایی که حزب برای آن مبارزه کرده است دارد همه گیر میشود. بطور واقعی مساله اینست که شرایط غیر قابل تحمل حاصل نظام سرمایه داری است و با وجود این نظام از بین نخواهد رفت. امکان ندارد کمترین آزادیها را برای مردم به ارمغان بیاورید و سرمایه داری همچنان مسلط

باشد. حاکمیت سرمایه ناگزیر است ریاضتکشی اقتصادی و سر کوب و دیکتاتوری متناظر با آنرا بر جامعه تحمیل کند. این حقیقت است که جامه را به چپ سوق داده و حزب ما را بجلو رانده است.

کیوان جاوید: موضع همه نیروهای چپ دست به ریشه بردن و مبارزه ریشه ای با کاپیتالیسم است. فرق حزب با دیگر نیروهای چپ چیست؟ حزب چرا باید در این مورد قطعنامه بدهد؟

حمید تقوایی: بله همه سازمانهای چپ مبارزه علیه کاپیتالیسم را در حرف قبول دارند ولی کم نیستند مدعیان کمونیسم و سوسیالیسم که در عمل این سیاست را دنبال نمیکند. میدانیم که بخشی از این سازمانهای مدعی سوسیالیسم و مبارزه علیه کاپیتالیسم یعنی حزب توده و اکثریت، طرفدار و حامی فعال جمهوری اسلامی هستند. نیروهایی هم هستند که مبارزه دیگری بجز مبارزه علیه استثمار را برسمیت نمی شناسند یا آنرا به هر حال به طبقه کارگر مربوط نمیدانند. معتقدند مبارزات اقشار مختلف مردم مثل مبارزه علیه بیحقوقی زن، مبارزه علیه اعدام، علیه مذهب، و یا مبارزه برای خلاصی فرهنگی و غیره دموکراتیک است و در مبارزه علیه کاپیتالیسم اهمیت و جایگاهی ندارد. برخی هم معتقدند شرایط جامعه ایران برای سوسیالیسم فراهم نیست و حداکثر رفرمهایی در نظم موجود را اساس پراتیک خود قرار میدهند.

یک گرایش دیگر که متاسفانه به یک سنت جان سخت در جنبش چپ تبدیل شده محور قرار دادن مبارزه با امپریالیسم، نه بعنوان

عالیترین مرحله سرمایه داری، بلکه بعنوان یک نیروی استعمارگر و سلطه گر خارجی است. اینها همه چیز را با ضدآمریکائیگری میسنجند و قطنبنمای حرکتشان مبارزه علیه آمریکا است. همه این گرایشات در این تصور شریک هستند که انقلاب سوسیالیستی وقتی رخ میدهد که طبقه کارگر علیه استثمار بپا بخیزد و به تنهایی و یا حداکثر به همراه بخشهایی از مردم زحمتکش حکومت سرمایه را بزیر بکشد. این تصویر واقعی نیست و هیچ وقت اتفاق نمی افتد. انقلاب سوسیالیستی انقلابی است که بخشهای مختلف مردم برای تحقق خواستههای برحق و انسانی خودشان بمیدان بیابند و برای حل مساله خود کمونیستها را انتخاب کنند. این امر، با توجه به اینکه همانطور که در بند اول اعلام شده سرمایه داری منشا همه مصائب عصر ما است، کاملا امکان پذیر است.

کمونیسم حزب ما، کمونیسمی است که میخواهد کمونیسم را بعنوان راه رهایی توده مردم معرفی کند و آنرا از جانب اکثریت عظیم مردم قابل انتخاب کند.

کیوان جاوید: در بند دو قطعنامه میگوید: انقلاب نه بر سر جدال راست و چپ تعیین تکلیف میشود، بلکه در جدال مردم با حکومت تعیین تکلیف میشود. این خیلی مورد بحث قرار گرفته و من شنیده ام که برخی میگویند که این بند و کل این قطعنامه میخواهد به این خدمت بکند که بگوید جدال با راست را عمده نکنیم. میگویند که حزب کمونیست کارگری نمی خواهد با راست جدال کند. نظر شما چیست؟

مصطفی صابر: نه اینطور ادامه در صفحه ۶

از صفحه ۳

نیست. این قطعنامه بیش از هر قطعنامه دیگری که حزب در این رابطه ها داده است، دارد میگوید که چگونه باید با راست برخورد کرد. بندهای مفصلی دارد که در دو سطح مختلف برخورد به راست را میگوید. یکی در سطح پایه ای و ایدئولوژیک و الگوهای راست برای جامعه، از پست مدرنیسم و نئولیبرالیسم گرفته تا دموکراسی های موزائیکی که الان از آلترناتیوهای اصلی راست در منطقه است و غیره. و دیگری برخورد سیاسی با راست است. به این معنی هرجایی که راست در مقابله با جمهوری اسلامی و برداشتن این رژیم از سر راه جامعه ایران کوتاهی و سستی میکند باید با آن برخورد کرد. که البته نمونه در این مورد زیاد است، راست میخواهد جمهوری اسلامی یا اساس آنرا نگهدارد. در صحبت قبلی ام گفتم که چطور ترامپ میگوید جمهوری اسلامی خیلی هم خوب است و فقط با من مذاکره کند. کل راست هم نهایتا چیزی بیشتر از این نمی گوید. قطعنامه میگوید راست را باید منظمًا در رابطه با سرنگونی جمهوری اسلامی مورد نقد قرار داد. باید نشان داد که چطور راست میخواهد این گوشه و آن گوشه جمهوری اسلامی، نیروی مسلح اش، دستگاه اطلاعاتی اش، و خلاصه سیستم را نگهدارد و حالا مثلا فقیه برود و پادشاه بیاید. قطعنامه روشن و مبسوط اینها را میگوید. ولی آن بندی که شما گفتید دارد میگوید وقتی در اوضاع انقلابی میخواهید بروید و انقلاب و جنبش انقلابی را پیروز کنید، این فقط میتواند در مواجهه و

مقابله با حکومت و دولت موجود صورت بگیرد نه دعوی راست و چپ. در انقلاب نه تقابل جنبش ها بلکه تقابل کل مردم که تغییر اوضاع را میخواهند، با حکومت موجود در محور است.

کیوان جاوید: اصغر کریمی نظر شما در این مورد چیست؟

اصغر کریمی: این یک نکته مهم قطعنامه است که در عین حال تفاوت ما را با جریانات دیگری که خود را چپ و کمونیست میدانند متمایز میکند. بطور واقعی حزب کمونیست کارگری خط متمایزی را دنبال کرده و خوشبختانه بخش عظیمی از فعالین اجتماعی که در صحنه سیاسی جامعه و در زمینه های مختلف دارند نقش ایفا میکنند عملا روی این خط حرکت میکنند و حتی بخشی از چپ هم بتدریج این خط یا جنبه هایی از آنرا بشکلی پذیرفته است. به این معنی این بند و کل قطعنامه دارد واقعیت مبارزه شغف انگیز مردم را فرموله و تئوریزه میکند. این قطعنامه با بخش وسیعی از سازمان های چپ تفاوت دارد اما با آنها که در میدان مبارزه در جنبش های اجتماعی مشغول فعالیت هستند خیلی همسویی دارد. قطعنامه میگوید اگر به خیابان میروی و میخواهی انقلاب کنی و مردم را بسیج کنی باید نوک تیز حمله ات و شعارهایت متوجه جمهوری اسلامی باشد، علیه بیحقوقی زن و کارگر باشد، علیه فقر و فلاکت و محرومیت باشد که ریشه اش جمهوری اسلامی است و طبعًا برای پیشبرد اینکار همانطور که مصطفی صابر توضیح داد ناسیونالیسم و مذهب را نقد میکنیم یا آنجا که احزاب دیگر دارند در مبارزه با جمهوری اسلامی

سستی میکنند افشایشان میکنیم و مرز را همیشه جایی مشخص میکنیم که راست نتواند مردم را به تغییرات کم قانع کند و راه سازش را در تندپیچ های سیاسی باز کند و اساس این وضعیت را نگه دارد.

کیوان جاوید: حمید تقوایی نظر شما در این مورد چیست؟

حمید تقوایی: نکات مهم را مصطفی صابر و اصغر کریمی توضیح دادند. من فقط به این اشاره میکنم که کلا میشود با دو تصویر و دو افق و دو سیاست استراتژیک به اوضاع نگاه کنیم. یک تصویر اینست که انقلاب سوسیالیستی وقتی شکل میگیرد که اعتراضات و اکتیویستهای جنبشهای اجتماعی سوسیالیست و کمونیست بشوند. به عبارتی دیگر بخشهای معترض جامعه به این معنی به طبقه کارگر بپیوندند که امر این طبقه یعنی برقراری سوسیالیسم را در دستور خود قرار دهند. به نظر من این گرایش چپ غیر سیاسی و یک گرایش ایدئولوژیک و فرقه ای است. این سرابی است که میتواند چپ را منزوی کند. برخورد ما برعکس است. ما معتقدیم چپ وقتی میتواند انقلاب سوسیالیستی را پیروز کند که مردم راه حل مسائل و مصائب خودشان را در پیروزی این چپ ببینند. طرفداران و پایگاه اجتماعی کمونیستها لزوماً همگی چپ و سوسیالیست نیستند بلکه مردم معترضی هستند که در اعتراض و مبارزه خود رهبری کمونیستها را میپذیرند و رهائی خود را در گرو قدرتگیری آنها میدانند.

به این ترتیب ما در جنبش چپ با دو متد و استراتژی روبرو هستیم: گرایش اول

یعنی چپ ایدئولوژیک و غیر سیاسی همه نیروها و فعالین و اعتراضاتی که جزئی از جنبش کمونیستی نیستند را امری منفی و به نفع آلترناتیوهای راست میداند و لازم میبیند بر مخالفت با آنها و "مرزبندی" با آنها تاکید کند. تصورش از یک حرکت اعتراضی چپ و رادیکال به خیابان آمدن علیه جمهوری اسلامی و اپوزیسیون راست هر دو است. این نسخه انزوی چپ است. مردمی که برای تحقق خواستهای برحق و انسانی خودشان و برای سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه میکنند احزاب و نیروهای سیاسی را بدرست در این مبارزه میسنجند و انتخاب میکنند. حزبی میتواند پیروز بشود که هر کس خواهان سرنگونی است و هر کس هر خواستی دارد که ذره ای حق طلبی و عدالتخواهی و آزادیخواهی در آن هست، آن حزب را مبارز امر خود و نماینده امر خود ببیند. این استراتژی ای است که حزب ما دنبال میکند و در پایه ای ترین سطح تفاوتها را در اینجا میتوان دید.

کیوان جاوید: همیشه فرض این بود که طبقه کارگر انقلاب میکنه و انقلاب سوسیالیستی میشود. ولی الان در قطعنامه اینطور طرح میشود که انقلاب همگانی است! همه مردم می آیند با هم انقلاب میکنند و "همه باهم" و جنبش همه با همی جمهوری اسلامی را می اندازد. این ربط اش به سوسیالیسم چیست؟ کسی که طرفدار اعدام است لزوماً طرفدار سوسیالیسم نیست. یا زانی که علیه حجاب اند الزاما طرفدار سوسیالیسم نیستند. آیا این بقول برخی "آب ریختن در سوسیالیسم حزب کمونیست کارگری نیست"؟

مصطفی صابر: نه برعکس، آنچه حزب ما میگوید تنها راه واقعی تحقق انقلاب سوسیالیستی است. انقلاب چیزی نیست که این یا آن طبقه، این یا آن حزب و یا این و آن دولت راه بیندازند. انقلاب یک پدیده اجتماعی عینی است که در مقطعی شکل میگیرد و معمولاً همه را هم غافلگیر میکند. انقلاب به معنی کلاسیک اش بلند شدن کل جامعه علیه قدرت سیاسی حاکم است بطوری که توده های وسیع مردم به میدان میایند و میخواهند به شیوه انقلابی قدرت سیاسی حاکم را عوض کنند. انقلاب سوسیالیستی هم یک چنین حالتی است. در حله اول یک وضعیت انقلابی مثل شرایط حاضر پیش میاید که مردم میخواهند کل حکومت موجود را بیندازند و به اصطلاح انقلاب میکنند. چه چیزی این انقلاب را سوسیالیستی میکند؟ شعارها و چهارچوب ها و افقی که این انقلاب برای خود تعیین میکند. رهبری این انقلاب است که آنرا سوسیالیستی میکند. و بحث حزب کمونیست کارگری این است که چگونه این رهبری و کسب هژمونی در انقلاب را تامین کند. دارد به چپ های ایدئولوژیک، فرقه ای و غیر سیاسی که متوجه این موضوع نیستند میگوید که انقلاب مکانیسم های خاص خودش را دارد. و مساله مهم تامین هژمونی کمونیستها در انقلاب است. و کسب این هژمونی هم همانطور که حمید تقوایی توضیح داد اینطور بدست میاید که شما بشوید نماینده خواست های برحق مردم در سیاست. نه اینکه الزاما همه این مردم خواهان سوسیالیسم باشند. ولی هرکسی که خواست عدالتخواهانه دارد و ادامه در صفحه ۵

از صفحه ۱

میخواهد این وضع را عوض کند، باید نماینده پیگیر، خستگی ناپذیر، روشن و شفاف خود را در حزب کمونیست کارگری ببیند.

کیوان جاوید:

تقوایی اگر به شما بگویند انقلاب همگانی نیست و انقلاب کار یک طبقه است در حالی که شما میخواهید همه اقشار و حتی اقلیتهای دینی را به صف انقلاب بیاورید، جواب شما چیست؟

حمید تقوایی: ابتدا باید در اصطلاح انقلاب همگانی کمی تعمق کرد. همه انقلابها به معنی شرکت توده مردم همگانی هستند. هم از نظر تئوریک - تحلیلی و همه تجربه تاریخی این یک واقعیت تثبیت شده است. من انقلابی را سراغ ندارم که فقط یک طبقه به خیابان آمده باشد. مثلا انقلاب کبیر فرسه انقلابی بورژوائی بود ولی فقط بورژوازی بیدار نیامد. رعایا و دهقانان و زحمتکشان شهری و کارگران وسیعا در آن شرکت داشتند و حتی نیروی اصلی انقلاب را تشکیل میدادند. انقلاب بورژوائی بود به این معنی که افق و سیاست و رهبری اش را طبقه سرمایه دار تعیین و تامین کرده بود. در انقلاب سوسیالیستی اکتبر نیز علاوه بر کارگران، سربازان و دهقانان و زحمتکشان شهری وسیعا شرکت داشتند. خصلت انقلاب و نام و نوع انقلاب را رهبری آن تعیین میکند. انقلاب یک جنبش توده ای و عینی است که علیه دولت و طبقه حاکمه به حرکت در می آید و امروز بخاطر شرایط اقتصاد سیاسی که در پاسخ به سؤال اول اشاره کردم، یعنی این واقعیت که در همه جا سرمایه داری مسلط است، هر انقلابی در هر کشوری میتواند سوسیالیستی

باشد. هر انقلابی که بخواهد مسائل مبتلابه جوامع امروزی را حل کند و تغییرات اساسی ایجاد کند باید سوسیالیستی باشد. دیگر حتی اصلاحات و رفومی که بتواند در چارچوب نظام سرمایه داری بهبود نسبتا پایداری ایجاد کند امکان پذیر نیست.

امروزه بورژوازی حتی رفمهای قرن بیستم در دوره دولتهای رفاه را در اروپا را پس گرفته است. جنبشها و احزاب و نیروهای راست حتی امکان رفم هم ندارند و این امر بویژه برای جوامعی نظیر ایران صدق میکند. هر انقلابی که بخواهد به خواستههای توده مردم جواب بدهد ناگزیر است سوسیالیستی باشد. در این تردیدی نیست.

یک نتیجه مهم این واقعیت اینستکه فقط کارگران در انقلاب سوسیالیستی ذینفع نیستند. اصطلاحی که جنبش اشغال دهسال پیش مطرح کرد و در فرهنگ سیاسی تثبیت شده است شعار ۹۹ درصدیها در برابر یک درصدیها است. یعنی اکثریت عظیم جامعه علیه اقلیت سرمایه دار حاکم. بعنوان نمونه جنبش اشغال در آمریکا علیه وال استریت، علیه ارتش، علیه کنگره به خیابان آمد و شعارهای رادیکالی مطرح کرد. سؤال اینجاست که این ۹۹ درصد چطور میتوانند به این خواستها برسند؟ پاسخ روشن است: با افق، خط و رهبری کمونیستها. کمونیسم رادیکال، کمونیسم کارگری. انقلاب سوسیالیستی در یک کلمه در گرو تامین هژمونی طبقاتی کارگر یعنی سوسیالیسم در میان توده مردمی است که از سلطه سرمایه به ستوه آمده اند. مردمی که نه تنها منفعتی در سودآوری سرمایه ندارند بلکه روز بروز فقیرتر و بیحقوق تر

میشوند. این واقعیت را حتی در جوامع صنعتی غرب، چه برسد به جوامعی نظیر ایران، میتوان بروشنی مشاهده کرد. انقلاب سوسیالیستی همگانی است به این معنی که اکثریت عظیم مردمی که از سلطه سرمایه به ستوه آمده و پیا خاسته اند، میتوانند در صورت حضور فعال یک کمونیسم سیاسی و فعال و دخالتگر رهبری طبقه کارگر را بپذیرند و به نیروی انقلاب سوسیالیستی تبدیل بشوند.

کیوان جاوید: چرا باید مبارزه علیه اعدام و دفاع از حقوق زن و دفاع از حقوق اقلیت ها و غیره مهر کمونیسم را بر خود داشته باشد؟

اصغر کریمی: این مبارزات فی الحال مهر حزب کمونیست کارگری را خورده است چون بطور واقعی این حزب پرچم مبارزه با اعدام و دفاع از حقوق کودک را بلند کرده است، قاطعانه علیه مذهب ایستاده و هیچ امتیازی به مذهب نداده و اعلام کرده که این جامعه مذهبی نیست و مردم نه مذهب و نه حکومت مذهبی و حکومت آیت الله ها را نمیخواهند. من حزب دیگری نمیشناسم که قاطع علیه مذهب مبارزه کرده باشد. برعکس احزاب بورژوا و لیبرال و سلطنت طلب و مجاهد و غیره یا با لچک اسلامی ظاهر میشوند و یا آیت الله های خوب! را مورد حمایت قرار میدهند. بنابراین طبیعی است که خیلی از مبارزاتی که امروز در جامعه جریان دارد در عرصه های مختلف و از جمله عرصه مبارزه برای رهایی زن مهر این حزب را میخورد. حزب کمونیست کارگری میخواهد ریشه بیحقوقی و نابرابری را بزند در نتیجه بطور اساسی و عمیق نماینده جنبش رهایی

زن میشود. حزبی که میخواهد سرمایه داری را نگهدارد و از منافع یک درصدی های سرمایه دار حفاظت کند نمیتواند از آزادی بیان و عقیده و اعتصاب حمایت کند چون این دو تا در تناقض با هم قرار دارند. جنبش های طبقه حاکم تا آنجا آزادیخواه! هستند که منافع طبقاتی شان حکم میکند. در نتیجه مجبورند اگر هم فرضا سر کار بیایند توی سر کارگر بزنند، جلو آزادی های سیاسی را بگیرند و اگر نتوانند حکومت مذهبی سر کار بیاورند تلاش میکنند یه جور مذهب را در حکومت شریک بکنند و نگذارند مذهب از ریشه و برای همیشه زیر سوال برود. مذهب ایدئولوژی ای است که آن طبقه برای حفظ قدرت به آن نیاز دارد. ولی حزب کمونیست کارگری تیشه به ریشه تبعیضات و نابرابری ها، بیحقوقی ها و مذهب و اعدام و سایر مصائب مردم میزند و به این معنی حزب کمونیست کارگری بطور عینی این تفاوت را با احزاب سیاسی دیگر دارد. کاش احزاب ملی اسلامی و سلطنت طلب و غیره هم به اندازه ما علیه اعدام بودند یا طرفدار آزادی های بی قید و شرط و حقوق زن و غیره بودند در این صورت تفاوت ها جای دیگری میرفت اما بطور واقعی اینطور نیستند و حزب پرچم این مطالبات را بلند کرده است.

کیوان جاوید: کسانی که این حرفها را میشوند ممکن است بگویند که این قطعنامه روی همان خط همیشگی حزب کمونیست کارگری است. امروز اهمیت این قطعنامه چیست؟ امروز اگر حزب بخواهد دوتا کار با این قطعنامه انجام دهد چیست؟

مصطفی صابر: این

قطعنامه در اساس دارد یک متد و روش برخورد با انقلاب و شرایط انقلابی را توضیح میدهد و خطوط اصلی سیاست های حزب در اوضاع و احوال انقلابی را مطرح میکند. این قطعنامه ای نیست مربوط به کل اوضاع سیاسی و همه مسائلی که در آن مطرح است. اما این متد و جهت گیری که مطرح میکنند فوق العاده مهم است. این قطعنامه مطرح میکنند شاید از بیست سال پیش، لاقلا بعد از بحث "حزب و جامعه" و بحث "جنبش سلبی و اثباتی"، (این ها بحث هایی است که سالها قبل بین ما طرح شد و منصور حکمت آنوقت زنده بود) مطرح شده است. اما اهمیت طرح این بحث ها در شرایط حاضر این است که ما به شرایط اجتماعی رسیده ایم که این متد و جهت گیری که قبلا هم مطرح شده بود را امروز باید وسیعا بطور همه جانبه پراتیک کرد. بنظرم یک کار مهم (و نه حتی دوتایی که شما گفتید!) با این قطعنامه میشود کرد که البته همان کافی است. اگر این قطعنامه را بطور فعال و پیگیر عملی کنیم میتواند به تامین هژمونی حزب کمونیست کارگری در اوضاع سیاسی ایران منجر شود. که این به نوبه خود پیروزی بزرگی برای کمونیسم نه فقط در ایران که در سطح جهان خواهد بود.

کیوان جاوید: حمید تقوایی شما چه انتظاری از این قطعنامه دارید؟ آیا فعالیت های حزب باید متحول بشود؟ اگر آری چطور و در چه جهتی؟

حمید تقوایی: از نظر عملی همانطور که اصغر کریمی و مصطفی صابر هم توضیح داند حزب همیشه روی همین خط

از صفحه ۵

فعالیت کرده است. نقش این قطعنامه اعلام و تثبیت این خط و جهت گیری در تمایز از نیروهای کمونیسم غیرکارگری است. قطعنامه از نظر متدولوژیک و استراتژیک اکتیویستهای چپ و کمونیست را به یک سیاست و متدولوژی رایکال، دخالتگرانه و منسجم کمونیستی مجهز میکند و به آنها امکان میدهد که همه فعالین جنبشهای ضد تبعیض و حق طلبانه و بویژه فعالین جنبش سرنگونی را به یک مبارزه رادیکال و پیگیر حول این خط فراخوانند. برای اینکه سرمایه داری از ایران جارو بشود باید در سطح هر چه وسیعتری نیروها و فعالین انقلابی که خود را چپ و کمونیست میدانند با این متد و جهتگیری فعالیت کنند. میتوان گفت که قطعنامه آن تئوری عمل و متد و جهتگیری پراتیکی که تا به امروز حزب داشته است را فرموله و تبیین میکند و بعنوان شرط کسب هژمونی و رهبری انقلابی که امروز در چشم انداز جامعه قرار گرفته است اعلام میکند.

ضرورت و مبرمیت این قطعنامه از نزدیک شدن و قریب الوقوع بودن انقلابی ناشی میشود که همه حتی مقامات حکومتی از آن صحبت میکنند. عملاً انقلاب بعنوان محتملترین روند سیر تحولات در دستور کار قرار گرفته و تعیین و اعلام شیوه برخورد به انقلاب به امر عاجلی تبدیل شده است. به همین دلیل قطعنامه با عبارت "با توجه به اینکه محتملترین و مطلوب ترین راه قدرتیگیری کمونیسم در ایران انقلاب است و با توجه به اینکه شرایط سیاسی حاضر انقلاب را در چشم انداز جامعه قرار

داده است" شروع میشود.

این قطعنامه وقتی موفق است که اکتیویستهای این خط که به نظر من از حزب ما فراتر است، - چپ اجتماعی عملاً همینطور در جامعه کار میکند - به این متدولوژی مسلح بشوند و آنرا در مبارزه علیه جمهوری اسلامی رهنمود کار خودشان قرار بدهند. در عرصه هائی نظیر مبارزه علیه اعدام و علیه آپارتاید جنسی و حجاب و در دفاع از حقوق کودک فی الحال این اتفاق افتاده است. یعنی حزب نشان داده است که جلوی صف اعتراض است و با پرچم خودش فعالین را بسیج کرده است. باید این امر به عرصه های دیگر هم گسترش پیدا کند. به نظرم این یک شاخص اجتماعی عملی شدن قطعنامه است.

کیوان جاوید: کسی که این قطعنامه را میخواند ممکن است گیج شود. این قطعنامه از یک طرف اشاره میکند که جنگ اساسی ما با طبقه حاکم است اما همانجا اضافه میکند که یک جزء مهم تامین هژمونی سوسیالیستی، افشای پیگیر مامشات و سازشکاری نیروهای اپوزیسیون راست حکومت است. اگر مبارزه شما علیه حکومت است چرا به راست گیر میدهید؟

اصغر کریمی: اتفاقاً این نکات مکمل هم هستند. قطعنامه میگوید نوک تیز حمله باید متوجه جمهوری اسلامی باشد، باید جامعه را متحد کرد و بسیج کرد برای سرنگونی حکومت، هر کس که یک خواست عادلانه و آزادیخواهانه دارد و میخواهد این حکومت سرنگونی شود حزب باید آنها را متحد کند و از طرف دیگر میگوید تمام نیروهایی که جلوی مبارزه مردم مانع ایجاد میکنند، راه سازش را پیش پای مردم

میگذارند، ناپیگیر هستند و در ایستگاه های مختلف موقعی که خاتمی سر کار میاید یا اتفاقی در حکومت می افتد میگویند شاید الان بتوان از طریق خاتمی به آرزوهایمان برسیم، بخشی از آنها میگویند منتظریم ترامپ شاید کاری بکند، عده ای راه حل فراندیم را مقابل مردم میگذارند، حزب کمونیست کارگری باید دائماً اینها را افشا کند و به مردم بگوید به این حرف ها گوش ندهید، روی پای خودتان و با انقلاب خودتان میتوانید جلو بروید. و یا ارزشها و ایدئولوژی های آنها را باید افشا کرد موقعی که از ناسیونالیسم و قومپرستی و یا مذهب دفاع میکنند، بین مردم تفرقه ایجاد میکنند، استانداردهای سیاسی و انسانی در جامعه را پایین میاورند به این معنی هم حزب کمونیست کارگری باید در سطح بالایی بایستند و ارزشهای انسانی را نمایندگی کند و در عین حال از نظر سیاسی موانع و خط سازش ها را مرتباً افشا کند تا انقلابی اساسی شکل بگیرد که ریشه همه معضلات و نابرابری ها را حل کند.

کیوان جاوید: یک سوال دیگر، در همین چهارچوب، حزب کمونیست کارگری در این قطعنامه هم خیلی به مدرنیسم، که محصول غرب است و خیلی کشورهای غربی خودشان را مدرن میدانند، از لحاظ سیستم سیاسی شان، برخوردشان با مذهب و غیره، می پردازد و بر آن تاکید میکند. هدف از این چیست؟ **مصطفی صابر:** این از چند جهت اهمیت دارد. اولاً سوسیالیسم یک موضوع غربی است. از مانی و مزدک و اینها نیامده است. پایه سوسیالیسم عبارت از عروج طبقه کارگر صنعتی نوین است که بعد هم

مارکس و انگلس آنرا تئوریزه میکنند و این کاملاً غربی است. تمام دستاوردهای مهم بشریت امروز ابتدا در غرب اتفاق افتاده، جایی که کارگران جنگیده اند و حقوقی را گرفته اند. برای من، غربی به این مفهوم در عین حال مساوی با کارگری و کمونیستی است. مثلاً حق رای عمومی را نگاه کنید. اینرا کارگران گرفتند. انگلیس به مهد دموکراسی و پارلمان مشهور است اما حق رای همگانی در آنجا با مبارزه جنبش چارتیستها (جنبش طبقه کارگر آئوت انگلیس) بدست آمد که تازه هنوز فقط محدود به مردان سفید پوست بود. و بعد هم جنبش رهایی زن که کارگران و سوسیالیستها نقش محوری داشتند حق رای زنان را گرفتند. میخواهم بگویم حق رای اساساً محصول مبارزه کارگران و کمونیستهاست. اینکه شما امروز هشت ساعت کار میکنید و محدودیتی بر ساعت کار هست این محصول مبارزه کارگران و کمونیستهاست. یا خیلی حقوق دیگر، مثلاً حق آزادی بیان و غیره. حزب کمونیست کارگری بر اساس این ارزشها شکل گرفته است. ارزش های جنبش طبقه کارگر صنعتی نوین که با انقلاب صنعتی در غرب در آنجا شکل گرفت و جنبش اش رشد کرد. حزب ما نماینده این طبقه است. در نتیجه ما شدیداً یک حزب غربی هستیم. ما هیچ تعلقی به مناسبات ما قبل سرمایه داری و فرهنگ شرقی نداریم. آنوقت که در غرب انقلاب صنعتی شده بود و کارگر مبارزه میکرد، شرق مقابل سرمایه داری و دهقانی بود و داشت با گاوآهن شخم میزد. ما تعلقی به این فرهنگ شرقی نداریم. در هر فرهنگی حتی از ده هزار سال پیش از هر کجا

که باشد میتواند چیزهای با ارزشی وجود داشته باشد، این موضوع به جای خود. اما تا آنجا که به روش زندگی در دنیای امروز برمیگردد ما کاملاً مدرنیسم و غربی هستیم و تعلقی به این فرهنگ "خودی" و آن عقب ماندگی ها نداریم.

کیوان جاوید: یک برخورد غیر خصمانه با دولت ها در این قطعنامه مطرح شده که میخواهد اینطور بنظر برسد که جامعه ببیند حزب کمونیست کارگری با دولت های غربی برخورد خصمانه ندارد و شعار مرگ بر آمریکا شعار این حزب نیست. اما مگر همین دولت های اروپایی طرفدار بردگی مزدی در تمام دنیا نیستند یا طرفدار حفظ نظام جمهوری اسلامی نیستند؟ چرا حزب کمونیست کارگری وارد این فاز میشود، ضرورتش چیست؟

اصغر کریمی: تا جایی که دولت ها زیر بغل جمهوری اسلامی را میگیرند، این همان موانع پیشروی مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی است و حزب کمونیست کارگری فعال ترین نیروی سیاسی در سطح بین المللی بوده که این دولت ها و سیاست هایشان را افشا کند و ادارشان کند جمهوری اسلامی را بگیرند. ما افکار عمومی را بسیج میکنیم که علیه زد و بند دول غربی با جمهوری اسلامی را بگیرند. نکته دیگری که در مورد قطعنامه اشاره کردید، در واقع همان پراتیک و شعارها و دیدگاه درستی است که گاهی در شکل خام و گاهی در شکل آگاهانه و روشن در مبارزات مردم وجود دارد. مردم میگویند دروغ میکن آمریکاست دشمن ما همینجاست، مردم میگویند

از صفحه ۶

میخواهیم جمهوری اسلامی را بیندازیم که راحت شویم، دولت آمریکا را بگذار مردم آمریکا هر وقت توانستند سرنگون کنند مردم ایران که نمیتوانند دولت های آمریکا و اروپا و غیره را بیندازند، میگویند باید سعی کنیم آنها را خنثی کنیم و نگذاریم از جمهوری اسلامی حمایت کنند. حتی مجبورشان کنیم فشار سیاسی به جمهوری اسلامی بیاورند، و این حکومت را بایکوت سیاسی کنند. ما، حزب کمونیست کارگری، بدرجات زیادی موفق بوده ایم و در عرصه های مختلف از جمله اعدام و زندانیان سیاسی و علیه شکنجه و دستگیری فعالین کارگری و ... کاری کرده ایم که خیلی از دولت ها و نهادهایی مانند امنستی بعضا تن داده اند به این خواست های ما و به جمهوری اسلامی فشار سیاسی آورده اند. یا مردم دارند سیاست های منطقه ای جمهوری اسلامی را در خیابان نقد میکنند میگویند سوریه را رها کن فکری به حال ما کن ما هم میخواهیم این خاطر جمعی را به مردم بدهیم که حزب کمونیست کارگری سر کار بیاید با دنیا سر جنگ ندارد. ما میخواهیم رفاه، آزادی برابری امنیت و یک جامعه سعادت مند را در ایران ایجاد کنیم و این تصویر را به مردم بدهیم که حزب سر کار بیاید قرار نیست پرچم آمریکا را آتش بزند و نیروی نظامی به عراق و غیره بفرستد. مردم از این سیاست ها خسته شده اند و بدست مخالف آن هستند مردم میخواهند جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و باید اینرا در بشره حزب ببینند که حزب مسئول و هوشیاری است و نماینده این

خواست اساسی و فوری مردم است، میتواند نیروهایی را خنثی کند و کاری کند که احزاب و نیروهایی مجبور شوند به یک سری خواست ها تن بدهند و در واقع نماینده اتحاد مردم برای انداختن جمهوری اسلامی باشد و همه مبارزات را برای سرنگونی جمهوری اسلامی بخت کند. **کیوان جاوید:** تماس با دولتها و دیپلماسی بازهم در این قطعنامه مطرح است. ولی برجستگی تماس با دولتها در این قطعنامه برای چیست؟ **مصطفی صابر:** در چهارچوب سیاستهایی که تعریف کرده ایم و اگر دولت ها بخواهند با ما تماس بگیرند ما هم تماس خواهیم گرفت. البته ما شرایطی برای این تماس ها داریم که تعریف شده، البته نه در این قطعنامه بلکه قطعنامه دیگری. از جمله اینکه باید این تماس ها علنی باشد و بی قید و شرط باشد و غیره. البته در آن قطعنامه تاکید میکند که با دولتهای اسلامی رابطه برقرار نمی کنیم. اما تاکید این قطعنامه بر این است حزبی که میخواهد نماینده مردم در مبارزه علیه جمهوری اسلامی باشد و هژمونی بدست بیاورد، طبعاً چنان اهمیتی می یابد که با احزاب و دولتهای دیگر روشن شده است. **کیوان جاوید:** حمید تقوایی شما در این مورد چه نظری دارید؟ هدف از رابطه دیپلماتیک و تماس با دولتها که در قطعنامه ذکر شده چیست؟ **حمید تقوایی:** قطعنامه میخواهد حزب و یا هر نیرویی که علیه جمهوری اسلامی مبارزه میکند را به این توجه بدهد که باید جمهوری

اسلامی را در جهان منزوی کنیم. این هم باز یک خصیصه کمونیسم سیاسی است. کمونیسم ایدئولوژیک با همه دولتهای دنیا سر جنگ دارد و این عملاً یعنی صرفاً موضع گرفتن و هیچ کاری نکردن. نقد و افشای دگرترین ها و ارزشها و فلسفه و استراتژی سیاسی بورژوازی که مصطفی صابر نیز در صحبتهای خود به آن اشاره کرد، یک امر تعطیل ناپذیر ما است - یک بند قطعنامه مشخصاً بر همین امر تاکید میکند. روشن است که ما با سرمایه داری و دولتهای سرمایه داری در همه جای دنیا مخالفیم و میخواهیم اثری از نظامهای سرمایه داری در هیچ گوشه کره ارض بجا نماند اما در سطح سیاسی و عملی دقیقاً برای رسیدن به این هدف باید ابتدا با بورژوازی و حکومتهای کاپیتالیستی در هر کشور تعیین تکلیف کرد. جنگ با همه عملاً به معنی جنگ با هیچکس است. حزب کمونیست کارگری ایران میخواهد از طبقه سرمایه دار و دولتش در ایران خلع ید کند و این مستلزم تمرکز بر سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم است. سؤال اینست که به این منظور در رابطه با دولتها چه تاکتیکی را در پیش میگیرید؟ آیا میخواهید با همه بجنگید و بورژوازی را در کل جهان بزیر بکشید؟! و یا میخواهید ابتدا در جامعه ای که عرصه فعالیت حزب شماس است از طبقه سرمایه دار خلع ید کنید؟ طبعاً هر کمونیسم سیاسی ای راه دوم را انتخاب میکند. راه اول پوچ است و ممکن است بدرد انقلابیگری کاغذی فرقه های ایدئولوژیک بخورد ولی در جهان واقعی چیزی را تغییر نخواهد داد.

کمونیسم دخالتگری که میخواهد در زندگی واقعی مردم تغییر ایجاد کند و سوسیالیسم را همین امروز در جامعه ای که حیثه فعالیت اوست پیاده کند نمیتواند این خط را داشته باشد. بنابراین اساس دیپلماسی ما اینست: منزوی کردن جمهوری اسلامی در کمپ خودش یعنی در میان دولتها، سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری جهانی، و در میان احزاب و هر نیرو و سازمانی که حتی ادعای دفاع از حقوق بشر و انسانیت دارد. باید این نیروها را تحت فشار گذاشت و به آنها نشان داد که جمهوری اسلامی را نباید بعنوان حکومت ایران برسمیت بشناسید. این رژیم نماینده مردم ایران نیست، قاتل آنها است. جمهوری اسلامی باید به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه بشود. ما خواهان آن هستیم که هیچ دولت و نهاد بین المللی رابطه سیاسی و دیپلماتیک با جمهوری اسلامی نداشته باشد. ما با تحریم اقتصادی مخالفیم ولی بهمان درجه هم مخالف برقراری روابط دیپلماتیک و سیاسی با حکومتی هستیم که دستش بخون مردم ایران آلوده است. جمهوری اسلامی باید در جهان منزوی شود و این یک تاکتیک موثر برای کمونیسم دخالتگری هست که میخواهد جمهوری اسلامی را بزیر بکشد و به حاکمیت سرمایه در ایران پایان دهد. **کیوان جاوید:** یک سوال دارم و وقت خیلی کمی، لطفاً نفری یک دقیقه جواب دهید. مصطفی صابر انتظارتان از این قطعنامه رو به درون و بیرون حزب چیست؟ **مصطفی صابر:** بنظرم این قطعنامه دارد خطاب به

فعالین چپ اجتماعی میگوید راه و روش پیروزی کمونیسم در ایران در شرایط انقلابی و در برخورد به انقلاب چه هست. انتظارم این است که مورد توجه این فعالین قرار بگیرد و پراتیک بشود. یعنی روی همین خط و چهارچوبه برویم سراغ جامعه و توده وسیع مردم را حول پرچم کمونیستها و کمونیسم کارگری متحد کنیم. **اصغر کریمی:** همانطور که مصطفی صابر گفت و یک وجه مساله را حمید تقوایی باز کرد که هر کس میخواهد حقوق زن به رسمیت شناخته شود یا حکومت مذهبی نمیخواهد و یا هر خواستی دارد بگوید ممکن است با کلیت حزب کمونیست کارگری موافق نباشم ولی بنظر میرسد این حزب سر کار بیاید خواست مرا به بهترین نحوی برآورده میکند، حزب مسئولی است و میتوان به آن اعتماد کرد. یک وجه دیگر متوجه چپ اجتماعی است که بنظر من امروز دارد این متد و این مباحث را عملی میکند. این قطعنامه امیدوارم به آنها کمک کند که عمیق تر و فرموله تر این خط را به جامعه ببرند. به هر درجه این قطعنامه بیشتر جا بیفتد تاثیر بیشتری روی همین جنبش های موجود میگذارد که بتوانند سیاسی تر کار کنند نماینده اتحاد بیشتری باشند و به این معنی قطعنامه دارد فعالیت آنها را نمایندگی میکند و امیدوارم مورد توجه آنها قرار گیرد. **کیوان جاوید:** انتظارتان از درون و بیرون حزب کمونیست کارگری در رابطه با این قطعنامه چیست؟ **حمید تقوایی:** من در یک سطح عمومی جواب میدهم که هم در مورد درون و هم ادامه در صفحه ۸

از صفحه ۱
حکومت است.

اما نکته دوم نهفته در صحبت روحانی از اینهم مهمتر است. "مردم دست از دفاع از حکومت برنمی‌دارند" حتی ارزش مصرفی برای روحیه دادن به بدنه حکومت هم ندارد. امروز هیچ مقام درجه اول یا دوم و سوم حکومت و حتی زندانبانان و پاسداران و افراد نیروی انتظامی نیست که از خشم و نفرت عمومی مردم از حکومت و کلیه مقاماتش خبردار نباشد. ترامپ هم بخوبی از وضعیت فلاکت بار حکومت خبر دارد. ۸۸ و دیماه ۹۶ را همه دیده اند و از آن مقاطع تاکنون وضعیت مردم صدمه بدتر شده و خشم و ناراضی‌تی مردم هم طبیعتاً بالاتر رفته است. وضعیت اقتصادی بخش قابل توجهی از اقشار میانی هم بحرانی شده و حکومت بیش از هر زمانی پشتش خالی شده است. این چیزی است که مقامات و آیت الله‌ها را بشدت وحشت زده کرده است. این روند با شتاب به زیان حکومت در جریان است و کاری هم برای تغییر این وضعیت نمیتوانند بکنند. بن بست حکومت همه جانبه است.

منظور روحانی چیست؟

اینرا روحانی بهتر از هر کس دیگر میداند. صحبت روحانی حتی سر و صدای هوادارانش را هم درآورده است. این اما آخر و عاقبت مقامات حکومت هایی است که به پایان خط رسیده اند و بالاخره باید اظهار نظر! کنند. و بالاخره به نکته سوم یعنی دشمن میرسیم. مردم با شعار دشمن ما همینجا است، آدرس واقعی دشمن را در اعتراضاتشان اعلام کرده اند. جمهوری اسلامی ۴۰ سال است بر طبل مرگ بر آمریکا کوبیده است و مردم با این شعار و با شعارهای مرگ بر خامنه ای و مرگ بر جمهوری اسلامی و اصلاح طلب اصول گرا دیگه تمومه ماجرا دست دشمن بلافصلشان را خالی کرده اند. مردم سر جنگ با آمریکا و سایر دولت‌ها ندارند. هم و غم مردم سرنگونی حکومت است و ایجاد رابطه ای بدون تنش با دولت‌های دیگر. مردم نه تنها عامل فساد و سرکوب و تبعیض و حقوق‌های نجومی و فلاکت عمومی را بخوبی می‌شناسند بلکه میخواهند از سیاست‌های منطقی‌ای حکومت و تنش با دولت‌های دیگر و تحریم

اقتصادی رها شوند و دولت آینده مثل خیلی کشورهای دیگر رابطه ای مسالمت آمیز با سایر دول دنیا داشته باشد. مردم تخم و ترکه‌هایی که در عراق و یمن و افغانستان و فلسطین و غیره از حمایت جمهوری اسلامی برخوردارند را بخوبی می‌شناسند و شعار سوریه را رها کن فکری به حال ما کن و دروغ میگن آمریکاست دشمن ما همینجاست بیان خواست و سیاست مردم در مقابل روحانی و کل حکومتیان هم دشمن واقعی و خطرناک و بلافصل خود را بخوبی می‌شناسند. این دشمن مثل ترامپ نیست. این دشمن بلوف نمیزند، تهدید نمی‌کند، قرار نیست به سازش و توافق با حکومت برسد، میخواهد حکومت را سرنگون کند و از هر فرصتی برای جلوتر رفتن استفاده میکند. نکته دیگر اینکه ظاهراً ترامپ که در مقابل جمهوری اسلامی بیش از همه مقامات دولت آمریکا سرسختی نشان داده است به صراحت میگوید سیاست ما تغییر این حکومت نیست حتی تغییر خامنه ای و روحانی نیست. اینرا هم مردم دیده اند و به همین دلیل

منتظر معجزه ای از بالا نیستند. این فاکتوری است که اپوزیسیون راست را که اساس اتکایش برای کسب قدرت، دخالت دولت آمریکا از طریق جنگ و رژیم چنج و حمایت از این اپوزیسیون است، دچار تب و لرز کرده است. در دل این تحولات سیاسی مردم و بویژه فعالین سیاسی بیشتر به عمق حقانیت حزب کمونیست کارگری و سیاست‌های مسئولانه و رادیکال آن پی می‌برند. روحانی هر منظوری میخواهد داشته باشد، نکته اساسی مساله سرنگونی و اتحاد مردم حول یک سیاست رادیکال و واقع بینانه است که حزب کمونیست کارگری پرچمدار آن است. مردم با شعارهایشان و با مبارزاتشان دارند همان مسیری را می‌روند که حزب سیاسی شان دنبال میکند. همسویی مردم با سیاست‌های حزب از همیشه آشکارتر است. از جمله در ماههای اخیر نیز که تنش میان دار و دسته ترامپ با جمهوری اسلامی بیشتر شد، حزب کمونیست کارگری دست از تمرکز سیاسی و تبلیغاتی اش علیه جمهوری اسلامی برنداشت. تاکید کرد

که جنگی در کار نیست اما حتی اگر هم جنگی موضعی در کار باشد باید نوک حمله مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی باشد و باید برای رهایی از جنگ و تحریم و ناامنی مبارزه علیه حکومت را تشدید کرد. حزب تلاش کرد نگذارد رسانه‌های فارسی زبان دست راستی و اپوزیسیون راست مشغله اصلی جامعه برای سرنگونی را به مسائل دیگری معطوف کنند و مردم را در حالت انتظار نگهدارند. تفاوت سیاست‌های حزب با سایر جریان‌های سیاسی در این زمینه را نیز مردم و بویژه فعالین سیاسی بخوبی می‌بینند و دنبال میکنند. امروز مهمترین فاکتور سیاسی در جامعه ایران، روی آوری هرچه وسیعتر به حزب کمونیست کارگری است برای تقویت مبارزات روزمره مردم، برای آمادگی هرچه بیشتر برای سرنگونی حکومت، برای خلاص شدن از شر تحریم اقتصادی و خطر جنگ و برای ساختن جامعه ای که آرزوی اکثریت مردم شریف و آزادیخواه است.*

از صفحه ۷

بیرون حزب صدق میکنند. به نظر من این قطعنامه میتواند چراغ راهنمای فعالیت‌های هر کسی که در ایران خود را کمونیست و مبارز راه سوسیالیسم میداند قرار بگیرد. این قطعنامه میتواند پلاتفرم چپ معترض و دخالتر و حاضر در همه عرصه‌های مبارزه باشد. چپی که عمیقاً ضد جمهوری اسلامی است و ضد هر نیروی است که به هر درجه ای

مبانی سیاست حزب کمونیست کارگری ایران برای تامین رهبری انقلاب و کسب قدرت

بخواهد با این حکومت سازش کند، بخواهد سیر مبارزه مردم را قیچی کند و با اندک تغییری در اوضاع اعلام کند مبارزه تمام شد و بخانه هایتان برگردید، بخواهد سپاه پاسداران را حفظ کند، با "روحانیت خوب" بسازد، کنار گذاشتن چند تا آیت الله را سرنگونی جمهوری اسلامی

اعلام کند و غیره. کمونیسم کارگری باید علیه همه این تلاش‌ها بایستد. نه فقط فعالین چپ بلکه همه اکتیویست‌هایی که میخواهند از شر جمهوری اسلامی خلاص بشوند باید بطور منسجم و پیگیر و ادامه داری همین روش را داشته باشند و خط این قطعنامه را دنبال کنند. تحولات زیر و رو کننده ای در راه است. جامعه ایران آستن طوفان‌های شدیدی است. در دل این تحولات ممکن است فعالینی که کمونیست و چپ

هستند و آرمان و نیات خیری هم دارند راه را گم کنند. خود را منزوی کنند. بدامن فرقه‌های ایدئولوژیک بیافتند و یا از آن طرف در کنار نیروهای سازشکار قرار بگیرند. این قطعنامه راه نشان میدهد. یک کمونیسم سیاسی فعال و دخالتر نه فقط در جنبش کارگری بلکه در همه جنبش‌های اعتراضی حق طلبانه باید سر بلند کند و پیگیر و قاطع این خط را ادامه بدهد. منظور من این نیست با یک قطعنامه همه اینها اتفاق

می افتد اما این قطعنامه گام مهمی در این جهت هست و حزب ما با تمام توانش و در همه عرصه‌ها سعی میکند این پرچم را برافرازد و همه نیروهای چپ و کمونیست را به این صف فرا میخواند.*

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

بحران رابطه آمریکا و جمهوری اسلامی کاظم نیکخواه



مدتهاست این سوال که بین آمریکا و جمهوری اسلامی جنگ میشود یا نمیشود موضوع بحث رسانه ها و محافل و مفسران مختلف در ایران و در سطح جهان است. جریانات راست و ناسیونالیست و سلطنت طلب امیدشان را به رژیم چنج آمریکائی که قرار است با جنگ و کودتا انجام شود بسته اند. اما روز دوشنبه ۲۷ ماه مه دونالد ترامپ در ملاقات با نخست وزیر ژاپن با گفتن جملاتی همه دلباختگان "رژیم چنج" آمریکائی را نا امید و عصبانی کرد. او گفت "ایران با همین رهبران موقعیت تبدیل شدن به کشوری بزرگ را دارد. می‌خواهم به صراحت بگویم که ما به دنبال تغییر رژیم نیستیم. ما به دنبال جلوگیری از تسلیحات هسته‌ای هستیم." با این جملات جریاناتی که خواب سناریوی آمریکائی رژیم چنج را دیده بودند که آنها را به سریر قدرت برساند، مایوس و سرخورده شدند و شروع به انتقاد از سیاست ترامپ کردند. اینها همانهایی هستند که از کنار رفتن اواما ابراز شادمانی کردند روی کار آمدن ترامپ فاشیست در آمریکا را جشن گرفتند. زیرا این توهم را داشتند که آمریکا میتواند در ایران سیاست "رژیم چنجی" اش را پیاده کند. سیاستی که در هیچ کجا آنگونه که اینها میخواهند پیش نرفته است چه رسد در ایران که یک جامعه آگاه و رادیکال است و مردم خود دست به کار سرنگونی حکومت هستند و معنای

توطئه گری قدرتهای سرمایه داری و تحمیل آلترناتیوها از بالای سر مردم را بخوبی لمس کرده اند، و می دانند و حتی اگر ترامپ و امثالهم بخواهند یک بار دیگر از بالا آلترناتیوهای دست ساز خود را به جامعه تحمیل کنند، قطعا مردم قبول نخواهند کرد.

اما اساس مساله چیست؟ آیا بحران تمام شده است و خطر جنگ و کشاکش نظامی وجود ندارد؟

این روشن است که دولت ترامپ در پی جنگ و سرنگونی حکومت اسلامی نیست. این را بارها به زبانهای مختلف دست اندرکاران حکومت آمریکا بیان کرده اند و نشان داده اند. بعلاوه هرکس که شناخت ساده ای از وضعیت سیاسی در آمریکا داشته باشد میفهمد که آمریکا در شرایطی نیست که بخواهد و بتواند یک بار دیگر یک جنگ تمام عیار را در منطقه شروع کند. جمهوری اسلامی نیز علیرغم رجزخوانیهایی صافش بسیار بهم ریخته است و بهیچوجه در یک کشاکش نظامی گسترده با آمریکا دوام نخواهد آورد و تار و مار خواهد شد. به همین دلیل و اینکه حکومت اسلامی با موجی از سرنگونی طلبی در ایران روبروست، هیچکدام از طرفین این کشاکش در پی جنگی تمام عیار نیستند. این را ما بارها گفته ایم و تاکید کرده ایم. اما این بمعنای رفع کامل خطر جنگ نیست.

ما بارها تاکید کرده ایم که تناقضات پایه ای ای میان

حکومت آمریکا و جمهوری اسلامی وجود دارد که سازش و مصالحه میان آنها را نیز غیر ممکن میکند. برای سازش و مصالحه این بویژه جمهوری اسلامی است که بخاطر معضل هویتی با مشکل روبروست. جمهوری اسلامی نه توان جنگ تمام عیار با آمریکا را دارد و نه میتواند با سازشی جدی و ادامه دار با آمریکا برسد. اینکه توان روبرویی گسترده برای جمهوری اسلامی وجود ندارد فکر میکنم برای همه روشن باشد. اما سوال اینست که چرا سازش نیز غیر ممکن است؟

دلایل همانگونه که ما در مقاطع مختلف از جمله در مقطع تصویب برجام تاکید کردیم بطور خلاصه اینست که حکومت اسلامی بنا به تعریف خود را ضد آمریکائی تعریف کرده است. ضد آمریکائی گری ایدئولوژی و ماهیت و هویت این حکومت است. این حکومت نه فقط با دولت آمریکا بلکه با کل تمدن و فرهنگ غرب ضدیت آشکار دارد و اسلامش را بعنوان آلترناتیو فرهنگ و تمدن غرب تعریف کرده است و نیروها و عمله اکره و مزدوران و تروریستها و وابستگانش را بر این اساس بسیج کرده است و سرکوب جامعه را نیز با پرچم ضد آمریکائی گری به پیش برده است. ضد آمریکائی گری ارتجاعی جزو تاریخ جمهوری اسلامی است که از انقلاب ۵۷ به این حکومت تحمیل شد و دیگر نتوانست از آن دست بردارد. هرگونه عقب نشینی از این هویت به قیمت بهم ریختن خطرناک صفوف حکومت اسلامی تمام خواهد شد.

از آن طرف طبقه حاکم آمریکا گرچه با سرکوب و چپاول و اعدام و تحجر حکومت اسلامی هیچ مشکلی

ندارند، اما با کل سیاستهای ضد آمریکائی این حکومت مشکل جدی دارد. از تبلیغات ضد آمریکائی در داخل ایران و تبدیل کردن ایران به پایگاه روسیه و چین و رقبای آمریکا گرفته تا دخالتگریهای نظامی در یمن و سوریه و لبنان و عراق و افغانستان از نظر حکومت آمریکا غیرقابل قبول است. جمهوری اسلامی اگر بخواهد به سازش و مصالحه ای با آمریکا برسد و خود را از محاصره اقتصادی و تهدید نظامی و جنگ خلاص کند، باید از این سیاستها دست بردارد. بعید نیست ترامپ نیز روزی مانند اواما به سازشی نیم بند با جمهوری اسلامی رضایت دهد زیرا تمام هدفش اینست که با آخوندهای حاکم در ایران نیز مثل رهبر کره شمالی یک عکس یادگاری بگیرد و از آن برای تبلیغات انتخاباتی اش استفاده کند. جمهوری اسلامی نیز که این را میداند به تحریکات نظامی اش ادامه میدهد و میخواهد رودرروییهای نظامی کنترل شده ای با آمریکا را ایجاد کند و بعد به میز مذاکره وارد شود و از این طریق قدرت نظامی خود را برجسته کند. محاسبه سران حکومت اینست که در چنین حالتی آبروی حکومت خریده خواهد شد و با دست بازتری وارد مذاکره خواهند شد و مجبور به قبول هر شرط و شروط و عقب نشینی ای نخواهند گردید. به همین دلیل حکومت اسلامی به تحریکات و ماجراجویی های نظامی خود ادامه میدهد. و همین میتواند آتش یک جنگ را در جایی شعله ور کند. هر جنگی میتواند بطور محدود شروع شود اما الزاما محدود نخواهد ماند. این اراده و نیت طرفین نیست که تعیین میکند جنگ چه ابعادی بخود بگیرد و چه

خصوصیتی پیدا کند. بلکه جنگ وقتی که شروع شد قانون خود را دارد.

بنظر من تا زمانی که جمهوری اسلامی سرکار است بحران سیاسی با غرب نیز ادامه خواهد یافت. این بحران میتواند با گسترش تحریمهای اقتصادی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی و روبرویی های نظامی در اینجا و آنجا ادامه یابد. هم اکنون جنگهای نیابتی میان جمهوری اسلامی و آمریکا در مناطق مختلف جریان دارد. این کشاکش ها و بحران خطرات جدی ای را بالای سر جامعه و مردم ایران و منطقه قرار داده است. چه ترامپ با جمهوری اسلامی به مذاکره و سازش برسد چه نرسد، این بحران با وجود جمهوری اسلامی تمام نخواهد شد و خطرات و فشارهای آن بالای سر جامعه باقی خواهد ماند. کم درد ترین راه خلاص شدن از خطرات جنگ و تحریمها و گرانی و بحران و کشاکش بی پایانی که از زمان روی کار آمدن حکومت سلامی شروع شده، سرنگونی حکومت اسلامی با انقلاب مردم است. این تنها راه و عملی ترین راه و کم دردترین راه خلاص شدن از این شرایط ناهنجار و خطرناک است. کارگران و مردم ایران ایران دست به کار چنین تحولی هستند. باید تلاش کنیم که بحران سیاسی و نظامی با غرب از این طریق به طور قطع به پایان برسد و مردم روی آرامش و رفاه و آزادی را ببینند.*

**مرگ بر
جمهوری اسلامی،
زنده باد
حکومت
سوسیالیستی!**

کارگران در هفته ای که گذشت شهلا دانشفر

با خواست اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او در ژنو خواهیم بود



بین المللی نیست و باید در سطح جهانی به انزوا کشیده شود. جای این رژیم پشت میز محاکمه است. ما با این گفتنمان ها به ژنو میرویم تا با اعتراض خود صدای کارگران و مردم ایران باشیم.

یک خواست مهم کارگران در ایران اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار است. در همین راستا هر ساله کارگران و تشکلهای کارگری مختلف با نامه های سرگشاده خود صدای اعتراضشان را به حضور هیات جمهوری اسلامی اعلام کرده اند. یک نمونه آن در آستانه صد و هشتمین اجلاس سازمان جهانی کار، نامه سرگشاده اتحادیه آزاد کارگران ایران خطاب به شارون بارو دبیر کل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری با خواست اخراج نمایندگان دولت ایران و آزادی کارگران زندانی و معلمان در بند است. رونوشت این نامه به تمامی اتحادیه های بین المللی کارگری و نهادهای حقوق بشری است. اتحادیه آزاد در این نامه به نقض پایه ای ترین حقوق کارگران در ایران اشاره شده است؛ از جمله در این نامه به دستگیریهای که در آستانه روز جهانی کارگر صورت گرفت، به حمله رژیم به مراسم اول مه و دستگیری دهها نفر در مقابل مجلس، به دستگیری معلمان در روز بعد از اول مه، به دستگیری جعفر عظیم رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران با

شش سال حکم زندان، به سرکوبگریهای حکومت اسلامی در قبال اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و بازداشت اسماعیل بخشی نماینده منتخب این کارگران و نیز خطر صدور حکم زندان برای علی نجاتی عضو سندیکای نیشکر هفت تپه به عنوان مصادیقی از تشدید سرکوبگری های حکومت اسلامی در قبال مبارزات کارگران و مبارزات مردم اشاره شده است. در این نامه همچنین به لیستی از معلمان زندانی از جمله اسماعیل عبدی، محمود بهشتی، محمد حبیبی و و ده ها تن از معلمانی که با اتهامات واهی در معرض صدور حکم زندان قرار دارند اشاره شده است. بعلاوه در نامه اتحادیه آزاد به اینکه هم اکنون چند عضو این تشکل کارگری در زندان بسر میبرند و برای چند تن دیگر از اعضای آن نیز پرونده های قضایی مفتوح است، اشاره شده است. اتحادیه آزاد در این نامه با اعتراض به حضور نمایندگان تشکل دولتی خانه کارگر در نشست های هر ساله سازمان جهانی کار و با اعلام اینکه نهادهای حکومتی ایران به کارگران اجازه ایجاد تشکلهای خود را نمیدهند و هر تلاشی در این راستا با سرکوب پاسخ میگیرد، به نقض سه مقاله نامه پایه ای سازمان جهانی کار از جمله حق تشکل یابی و سازماندهی نشست ها و پیشبرد مذاکرات جمعی و اینکه کوچک ترین تلاشی در این جهت از سوی کارگران با شدت و خشونت برخورد میشود، اشاره میکند. در خاتمه اتحادیه آزاد خواستار اخراج نمایندگان دولت ایران از سازمان جهانی کار شده و در بخش پایانی نامه آن خطاب به شارون باو چنین آمده است: "اتحادیه

آزاد کارگران ایران با ارسال این نامه از شما درخواست می کند به سبب مسئولیتی که برعهده دارید این موضوع را به عنوان یک مورد آشکار نقض حقوق انسانی کارگران در ایران مد نظر قرار داده و با درج آن در گزارش خویش در اجلاس یکصد و هشتم سازمان جهانی کار خواهان اخراج نمایندگان دولت ایران شده و با توجه به بی گناهی جعفر عظیم زاده، ناهید خداجو، اعظم خضری جوادی و فرهاد شیخی و دیگر کارگران و معلمان زندانی مؤاکدا از مقامات مسئول در ایران بخواهید حکم آزادی بی قید و شرط ایشان را صادر کنند و رفع منع قضایی از این کارگران صورت گیرد.

بیانیه شورایی هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگی علیه سرکوبها

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان طی بیانیه ای در پنجم خرداد ماه اعتراض خود را به ادامه سرکوبگری های حکومت اعلام داشته است. شورای هماهنگی در این بیانیه با اشاره به تشدید سرکوبگری های حکومت و حشیانه به تجمعات اعتراضی معلمان در دوازدهم اردیبهشت ماه و با محکوم کردن این تعرضات و پرونده سازها و با اشاره به احضارها و دستگیری های جدید، حمایت قاطع خود را از تمامی معلمان آزادیخواه، عدالت طلب و مطالبه گر و خصوصا معلمان در بند اعلام نموده است. در ادامه شورای هماهنگی در پاسخ به سرکوبگری های حکومت ضمن محکوم کردن هر گونه پرونده سازی و یا اجرای حکم زندان برای معلمان، اولین بند بیانیه خود را به خواست

آزادی بدون قید و شرط معلمان در بند اختصاص داده است. بند دوم این بیانیه هشدار به نهادهای امنیتی، دولت، مجلس و قوه قضاییه به عواقب سرکوب جنبش معلمان است و در آن با اعلام اینکه پرونده سازی، اخراج، تبعید و زندان تاکنون نتوانسته است روند مطالبه گری معلمان را متوقف نمایند، بر ایستادگی برای احقاق حقوق معلمان و دانش آموزان تاکید شده است. بند سوم بیانیه شورای هماهنگی اولتیماتوم آنهاست و در آن چنین آمده است: "اگر روند سرکوب فعلی متوقف نگردد، شورای هماهنگی از تمام ظرفیتها و توان خود برای حمایت از فعالان صنفی و معلمان استفاده خواهد نمود.

و بالاخره در بند چهارم شورای هماهنگی حمایت خود را از هر معلمی که مورد تعرض و ستم قرار میگیرد اعلام میدارد.

هم اکنون کارزاری وسیع برای آزادی معلمان زندانی با خواست آزادی بدون قید و شرط آنان و با هشتمین #نه به وثیقه و نیز علیه امنیتی کردن مبارزات در میان معلمان در جریان است. در همین راستا معلمان برای تجمع در نهم خرداد فراخوان دادند. در پاسخ به این فراخوان معلمان در اردبیل در مقابل اداره آموزش و پرورش تجمع کردند. معلمان شعار میدادند: "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست".

تجمع معلمان در اردبیل با شعار معلم زندانی آزاد باید گردد

معلمان در شهر اردبیل بنا بر قرار از قبل اعلام شده در

آئین نامه انتخابات کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران مصوب هیئت اجرائی حزب (مه ۲۰۱۹)

۱- انتخابات در دو مرحله انجام میگردد، سراسری و محلی. ابتدا انتخابات سراسری و بعد از روشن شدن نتایج، انتخابات محلی انجام میشود.

۲- جمع نمایندگان کنگره ۱۴۰ نفر است. سهمیه انتخابات سراسری ۱۰۰ نفر و سهمیه انتخابات محلی ۴۰ نفر است.

۳- شرکت اعضای حزب در انتخابات داوطلبانه است.

۴- رای گیری به صورت مخفی و از طریق اینترنت انجام میشود.

۵- در انتخابات سراسری و محلی نمایندگان با اکثریت نسبی آرا انتخاب میشوند، یعنی کسانی که آرای بیشتری نسبت به دیگران آورده اند انتخاب میشوند.

۶- در انتخاباتهای سراسری و محلی اعضا میتوانند به تعداد مساوی یا کمتر از تعداد سهمیه رای بدهند، اما رای دادن به تعداد بیشتر مجاز نیست. برگه های دارای آرای بیشتر از تعداد سهمیه باطل میشود.

۷- در صورتیکه در هر کدام از انتخاباتهای سراسری یا محلی تعداد آرای چند کاندید در ردیفهای مرزی برابر باشند همه کاندیداهائی که رای مساوی آورده اند به لیست نمایندگان همان انتخابات اضافه میشوند.

۸- در انتخابات سراسری حداقل آرای لازم برای انتخاب شدن ۲۰ درصد کل آرای رای دهندگان است.

۹- انتخابات سراسری در یک مرحله انجام میشود. در صورتیکه تعداد نمایندگان انتخاب شده در انتخابات

از صفحه ۱۰ ساعت ۱۱ صبح روز نهم خرداد برای پیگیری خواستههایشان در مقابل مراکز آموزش و پرورش تجمع کردند. معلمان با دو هشتک # نه به وثیقه، # نه به اخراج محمد حبیبی به استقبال این تجمع رفتند. بدین ترتیب معلمان اعتراض خود را به آزادی موقت با قید وثیقه، این شکل آشکار اخاذی و ادامه سرکوبگری های حکومت اعلام داشتند. ضمن اینکه آنها اعتراض خود را به تلاش توطئه گرانه آموزش و پرورش برای اخراج محمد حبیبی از اعضای کانون صنفی معلمان که از بیستم اردیبهشت ۹۷ در زندان است و قطع کامل حقوق اعلام داشته و حمایت قاطع خود را از او اعلام داشتند.

در کنار این خواستها معلمان همچنین بر

کارگران ...

خواستههایی چون افزایش حقوق ها به بالای خط فقر هفت میلیون، تحصیل رایگان برای همه کودکان، درمان رایگان، پایان دادن به کالایی کردن آموزش و لغو خصوصی سازی مدارس و برگرداندن پولهای به سرقت رفته بانک ذخیره فرهنگیان تاکید دارند. با این مطالبات معلمان بطور واقعی خواستههای کل جامعه را نمایندگی میکنند. در تجمع روز ۹ خرداد معلمان در اردبیل با دو شعار "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست" جوهر اصلی خواستها و اعتراضاتشان را بیان کردند. در این روز تجمع مشابهی نیز از سوی معلمان در شهر اصفهان برپا شد.

همبستگی های جهانی گسترش می یابد

یک عرصه مهم جنبش قدرتمند برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، جلب حمایت های بین المللی است. گسترش این حمایت ها بیش از هر چیز نشانگر پیشروی جنبش کارگری و انعکاس جهانی اعتراضاتش است. در ادامه همبستگی های گسترده جهانی در این هفته چهارمین کنگره اتحادیه های کارگری اروپا طی بیانیه ای ضمن محکوم کردن سرکوب تظاهرات روز جهانی کارگر در ایران و بازداشت دهها نفر از فعالین کارگری از اتحادیه اروپا و دولتهای عضو آن خواستار اقدامی اضطراری برای آزادی فعالین کارگری در بند و تضمین آزادیهای سیاسی در ایران مطابق کنوانسیون های بین المللی سازمان جهانی کار شد.*

اکرم نصیریان آزاد شد

#نه به وثیقه،
آزادی بدون قید و شرط
۵ خرداد ۹۸
کمپین برای آزادی کارگران

روز ۵ خرداد اکرم نصیریان فعال ندای زنان ایران، سوادآموز زنان خانه دار و همیار سیل زدگان با قید وثیقه ۲۰۰ میلیونی از زندان اوین آزاد شد! آزادی اکرم را به وی، با خانواده اش، به همگان تبریک میگوییم. پرونده امنیتی تشکیل شده برای اکرم نصیریان و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً بسته شود. معلمان زندانی، کارگران در بند و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

در زندانها را باز میکنیم و
تمامی زندانیان سیاسی را
آزاد میکنیم

زندانی
شهبلا دانشفر
Shahla.daneshfar2@gm
ail.com
http://free-them-
now.com/



کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

مردم آزادیخواه و مبارز کردستان!

بامداد سه‌شنبه هفتم خرداد نیروهای حشد شعبی و سپاه پاسداران در منطقه سه چومان منطقه مرزی ایران و عراق گروهی از کولبران را بدون هیچ اختطاری هدف رگبار گلوله قرار دادند که تاکنون خبر جان باختن دو نفر از آنها منتشر شده و سه کولبر دیگر نیز در آب غرق شده اند. نیروهای نظامی جمهوری اسلامی سالها است که به این کشتار ادامه میدهند. باید در مقابل این کشتار بیرحمانه جامعه کردستان یکپارچه و متحد قدم کند. باید به این کشتار پایان داد.

روزی نیست که شما خبر کشتار کولبران در مرزهای کردستان را نشنوید. روزی

برای مقابله با موج کشتار کولبران باید به میدان آمد جنایت حشدالشعبی و سپاه پاسداران علیه کولبران باید پاسخی قاطع بگیرد!

نیست که خبر شلیک نیروهای نظامی جمهوری اسلامی به کارگران کولبر مرزی منتشر نشود. روزی نیست که مرگ این عزیزان خانواده‌ها را داغدار نکند. برای مقابله با این موج کشتار باید به میدان آمد باید پاسخی قاطع به این کشتار بیرحمانه داد.

در سال ۱۳۹۷ بیش از ۲۵۰ نفر از کولبران کشته شده اند و ده‌ها نفر معلول و از کار افتاده اند. در سال جاری تا کنون بیش از ۵۰ کولبر کشته شده و تعدادی بیشتر معلول شده اند. در میان کولبران جوانان تحصیل کرده و بیکار زیادی که هیچ امکانی برای امرار معاش ندارند ناچار به

این کار خطر ناک شده اند. حتی نوجوانانی که زیر ۱۷ سال دارند جان خود را در این راه از دست داده اند.

مردم کردستان! سازمان‌های سیاسی در کردستان! در مقابل این جنایات باید اقدامی درخور انجام داد. مردم کردستان تجارب گرانبهایی از اعتراض علیه سرکوب و بیحقوقی و تبعیض و فقر و محرومیت دارند. اعتصاب باشکوه و سراسری ۲۱ شهریور سال قبل نشان داد که مردم کردستان و احزاب سیاسی در کردستان از آمادگی کافی برای مقابله با این سرکوبگری‌ها برخوردارند و در مقابل جنایت

همه احزاب و جریانات سیاسی مسئول می‌خواهد برای اقدامی مشترک و سراسری در کردستان و برای پایان دادن به کشتار کولبران به میدان بیایند. مردم کردستان و احزاب و جریانات چپ و کمونیست با اقدامی هماهنگ و مشترک می‌توانند پاسخ قاطعی به جمهوری اسلامی بدهند و مانع این کشتار هر روزه بشوند. بر اساس تجربه و سنت سیاسی مردم آزادیخواه کردستان اعتصاب عمومی سراسری یکی از آن اقدامات موثر می‌باشد که می‌تواند سدی در مقابل این کشتار ایجاد کند.

**کمیته کردستان حزب
کمونیست کارگری ایران
۸ خرداد ۱۳۹۸
۲۹ مه ۲۰۱۹**

در طوفان تویتری در روز چهارشنبه ۱۱ ژوئن شرکت کنید.

برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن زیر تماس حاصل نمایید

**۱۹ ۶۵۶۹ ۱۶ ۰۶
کمیته مبارزه برای آزادی
زندانیان سیاسی
۷ خرداد ۱۳۹۸
۲۸ مه ۲۰۱۹**

علیه دیدار و ملاقات نمایندگان امنیتی تروریستی جمهوری اسلامی در کمیسیون خارجی پارلمان هلند

زندانیان سیاسی، این دیدار را قویا محکوم می‌کند. از تمام مردم آزادیخواه، شریف و انساندوست در سراسر هلند می‌خواهیم با اعتراض خود اجازه برگزاری این ملاقات را ندهند. با شرکت در تجمع اعتراضی، طوفان تویتری و ارسال نامه اعتراضی به دولت هلند خواستار لغو این دیدار خواهیم زد!

فرزندانشان تهدید و دستگیر می‌کنند، هزاران خانواده داغ‌دیده‌ای که حتی گور عزیزانشان را هم نمی‌یابند و در ماتم فرزندان جان‌باخته شان سالهاست سوگواری می‌کنند. ملاقات دهن کجی آشکار به حق طلبی این خانواده هاست! درست در شرایطی که مبارزات مردم ایران، کارگران، زنان، جوانان و دانشجویان، معلمان و بازنشستگان هر روز وسیعتر و سراسری‌تر می‌شود و در مقابل همان مجلسی که دولت هلند می‌خواهد نمایندگان امنیتی آنرا ملاقات کند، معترضین دستگیر و شکنجه و زندانی شده‌اند! این مرادوات دوستانه با چنین حکومتی، شرم‌ساری تاریخی برای پارلمان هلند خواهد شد! مردم شریف و آزادیخواه، ایرانیان مبارز، کمیته مبارزه برای آزادی

سه نفر از جانبان حکومتی و از مقامات امنیتی کمیسیون امنیت ملی مجلس اسلامی به نامهای هادی شوشتری، سروش برزگر و احمد امیرآبادی، قرار است در روز ۱۲ ژوئن، از ساعت ۱۱ تا ۱۲ پشت درهای بسته و بصورت محرمانه با برخی از اعضای کمیسیون خارجی پارلمان هلند ملاقات کنند. گفته شده است این ملاقات به درخواست مقامات جمهوری اسلامی و موافقت پارلمان هلند انجام می‌شود!

این ملاقات در حالی صورت می‌گیرد که دهها نفر از فعالین کارگری و فعالین سایر عرصه‌ها در زندان بوده و با اتهامات امنیتی روبرو هستند، به شلاق و پرداخت وثیقه‌های سنگین محکوم میشوند، دهها زندانی بیمار بدون امکان دارو و درمان در شرایط بسیار خطرناکی بسر می‌برند، خانواده‌های زندانیان سیاسی را به جرم حمایت از



KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

حجاب از سوی امنستی منتشر گردید.

گزارش مبسوط هوشیار سروش از این دیدار ضمیمه است.

۸ خرداد ۹۸، ۲۹ مه
کمپین برای آزادی
کارگران زندانی
شهلا دانشفر
Shahla.daneshfar2@gmail.com
http://free-them-now.com/

گزارش ملاقات با جمعی از مسئولین امنستی اینترناسیونال در استکهلم



اسلامی، مسئولین امنستی بر روی گسترش همکاری در زمینه تشدید فشار بر روی جمهوری اسلامی برای آزادی زندانیان سیاسی و حمایت و پشتیبانی از خانواده های زندانیان سیاسی تاکید کردند. بدنبال این نشست بلافاصله بیانیه ای بین المللی در دفاع از مبارزات زنان ایران و بخصوص مبارزات آنان علیه

روز ۲۸ ماه مه جمعی سه نفره مرکب از هوشیار سروش از کمپین برای آزادی کارگران زندانی، شیرین شمس از نهاد انقلاب زنانه و فرامرز قربانی از نهاد کارزار پشتیبانی از کارگران ایران با جمعی از مسئولین سازمان امنستی انترناسیونال در شهر استکهلم دیداری صورت گرفت. بدنبال گزارش مبسوط این هیات از مبارزات کارگران، زنان و بخش های مختلف مردم در ایران و سرکوبگری های رژیم

دیدار با نماینده امنستی اینترنشنال در تورنتو دستگیر شدگان اول مه و تمامی زندانیان سیاسی باید بی قید و شرط و فورا آزاد شوند

اخراج جمهوری اسلامی تهیه شده و تا کنون توسط ۴ اتحادیه کارگری امضا شده را امضا نمایند. متن گزارش محمد کاظمی عضو کمپین برای آزادی کارگران زندانی از این دیدار ضمیمه است.

#نه به وثیقه
کمپین برای آزادی
کارگران زندانی
shahla.daneshfar2@gmail.com
http://free-them-now.com/
۲۶ مه ۲۰۱۹،
۵ خرداد



و لغو قرار وثیقه دیدار داشتند. در این دیدار خانم فرح خان از مسئولین این نهاد ضمن تشکر از اطلاع رسانی ها قول داد که مدارک ارائه شده در این ملاقات را برای مرکز اصلی سازمان امنستی در لندن ارسال کند و خواستار این شود که در صورت امکان قطع نامه ای که از طرف فری دم ناو برای

روز ۲۵ مه هیاتی مرکب از محمد کاظمی به نمایندگی از کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now)، سحر تيام از جانب کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ویدی محمدی از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام با یکی از مسئولین امنستی اینترنشنال در شهر تورنتو در خصوص دستگیری های اخیر جمهوری اسلامی و با خواست آزادی فوری تمامی بازداشت شدگان اخیر و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی

تمامی زندانیان سیاسی باید فورا آزاد شوند. پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران، معلمان، فعالین اجتماعی باید بسته و احکام امنیتی آنها لغو شود.

نه به وثیقه
۸ خرداد ۹۸، ۲۹ مه
کمپین برای آزادی کارگران
زندانی
شهلا دانشفر
Shahla.daneshfar2@gmail.com
http://free-them-now.com/



نسرین جوادی آزاد شد، آزادی او را تبریک میگوییم

قدرت مبارزاتمان در زندانها را باز میکنیم. فرهاد شیخی، کیوان صمیمی، حسن سعیدی، ناهید خداجو، اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، جعفر عظیم زاده، عاطفه رنگریز، ندا ناجی، مرضیه امیری، معلمان دربند،

باز ماندن پرونده قضایی زندانی سیاسی و ادامه پیگرد و تهدید امنیتی اوست، قاطعانه در مقابل این سرکوبگری و شکل آشکار اخاذی و چپاولگری حکومت بایستیم و با تاکید بر آزادی های پایه ای سیاسی در جامعه، خواستار آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی شویم.

آزادی نسرین جوادی نتیجه کارزاری گسترده و جهانی برای آزادی دستگیر شدگان اول مه و تمامی زندانیان سیاسی است. با

امروز هشتم خرداد نسرین جوادی (اعظم خضری جوادی) عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران، عضو هیأت مؤسس شورای کارگری "بستا" و از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر با قید وثیقه آزاد شد. آزادی نسرین را به او، به خانواده اش و به همگان تبریک میگوییم.

برای نسرین جوادی دو قرار وثیقه یکصد میلیون تومانی و سی میلیون تومانی با دو اتهام مجزا صادر شده بود. پرونده امنیتی او باید فورا بسته شود.

آزادی به قید وثیقه، آزادی موقت است. معنای آن

سرکوب آزادی ها در جامعه، دستگیری و احکام سنگین زندان برای فعالین اهل قلم در ایران

که جرمشان رسانه ای کردن اخبار اعتراضات کارگران است، به میان آمده و اعضای آن تحت پیگرد و دستگیری قرار گرفتند. اما پخش این فیلم با موجی از اعتراض در سطح جامعه روبرو شد و حکومت را در موقعیت ضعیف تری قرار داد. در عکس العمل به این پرونده سازیهای مفتضحانه اسماعیل بخشی و سپیده قلیان بر کیفرخواست خود علیه شکنجه همچنان تاکید کرده و اعلام نمودند که حاضرند در دادگاهی علنی حضور یابند. سپیده قلیان در مورد برنامه طراحی سوخته نوشت "من و اسماعیل بخشی که سهل است، پنج هزار کارگر هفت تپه را هم جلوی دوربین نشانید و از آنها به زور کابل و باتوم اعتراف اجباری بگیرید باز هم از اصل داستان و این که شما ستمگر و فاسدهستید کم نخواهد کرد." اسماعیل بخشی و سپیده قلیان در ۱۳ اسفندماه ۹۷ به زندانهای شیبان و سپیدار اهواز و بعد از دو ماه در هشتم اردیبهشت به زندان اوین انتقال داده شده و پرونده آنها به شعبه ۷ بازپرسی دادگاه اوین واگذار گردید.

امیرحسین محمدی و ساناز الله یاری و نیز احضار و بازجویی عسل محمدی اعضای هیات تحریریه نشریه گام و علی نجاتی عضو سندیکای نیشکر هفت تپه در ارتباط با پرونده سازی های جدید حکومت علیه اسماعیل بخشی و در جهت تخطئه کردن مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه صورت گرفته است.

لازم به یادآوریست که بازداشت اسماعیل بخشی و سپیده قلیان در سی ام دیماه در حالی صورت گرفت که جمهوری اسلامی در شب قبلش فیلمی مستند با عنوان "طراحی سوخته" را علیه اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و علی نجاتی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در صدا و سیما پخش کرد. این فیلم مستندی بود که در جریان بازداشت و بازجویی پیشین این افراد ضبط شده بود و در آن گفته بودند اسماعیل بخشی با "حزب کمونیست کارگری" ارتباط دارند. در این فیلم جمهوری اسلامی با پخش قسمتهایی از "اعترافات" رهبران جنبش کارگری به رابطه با کمونیستها و متحد و متشکل کردن مبارزات کارگری، تلاش کرد که مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه را بحساب توطئه های آمریکا و تحریم اقتصادی بگذارد. در این پرونده سازی های اسامی هیات تحریریه گام

مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه بازداشت شده بود جهت "آخرین بازجویی ها" از زندانهای شیبان و سپیدار اهواز در هشتم اردیبهشت به زندان اوین منتقل شدند و در نهم اردیبهشت ماه، جلسه بازپرسی آنان بدون حضور وکلایشان در دادسرای اوین برگزار شد.

پیش از اینها نیز در تاریخ ۱۳ آذر ماه عسل محمدی، یکی دیگر از فعالین دانشجویی و از اعضای تحریریه نشریه گام توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی خود در تهران بازداشت و به بازداشتگاه اداره اطلاعات اهواز منتقل شده بود که در نهایت روز ۱۵ دی پس از ۲۳ روز بازداشت با وثیقه ۴۲۳ هزار تومانی آزاد شد.

عسل محمدی و علی نجاتی از اعضای سندیکای نیشکر هفت تپه نیز در همین ماه طی احضاریه ای از طرف دادسرای اوین (شهید مقدسی) به بازپرسی شعبه هفتم دادسرای اوین احضار شده بودند.

در جلسه بازپرسی روز ۲۴ اردیبهشت به سپیده قلیان ۴ اتهام از جمله فعالیت تبلیغی علیه نظام، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، همکاری با گروه های معاند و اخلاص در نظم عمومی تفهیم شده اند. بازداشت امیر امیر قلی،

به دادگاه انقلاب تهران ارسال شده است. در این پرونده علیرغم صدور قرار وثیقه برای آنها، سرپرست دادسرای اوین با آزادی موقت این افراد مخالفت کرده است.

امیرحسین محمدی، ساناز الله یاری و امیر امیر قلی سه تن از اعضای هیات تحریریه نشریه گام هستند که از دیماه ۹۷ در بازداشت بسر میبرند. جرم آنان رسانه ای کردن اخبار اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و انتشار آن در نشریه شان است. امیرحسین محمدی و همسرش ساناز الله یاری در شامگاه ۱۹ دی ماه بازداشت شدند.

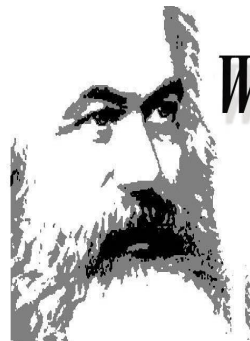
امیر امیر قلی فعال دانشجویی و عضو دیگر هیات تحریریه نشریه گام در ۲۶ دیماه در بابلسر بازداشت و به بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین انتقال یافت. او سپس در ۲۶ بهمن ماه سال گذشته به زندان شیبان اهواز منتقل شد و بیش از دو ماه در قرنطینه این زندان به سر برد و در این مدت به دلیل شرایط غیر بهداشتی زندان و ابتلا به دیابت و محرومیت از امکانات درمانی در وضعیت جسمانی بدی قرار گرفت. امیر قلی بعدا در هشتم اردیبهشت همراه با اسماعیل بخشی، رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه و سپیده قلیان خبرنگاری که در جریان

- رضا خندان مهابادی، بکتاش آبتین و کیوان باژن سه عضو کانون نویسندگان ایران هر کدام به ۶ سال زندان محکوم شدند. این حکم در روز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت به وکیلان مدافع این سه عضو کانون نویسندگان ایران ابلاغ گردید. این حکم با اعتراضی وسیع در سطح جامعه روبرو شده است. از جمله ۹۰۰ نفر از اهل قلم در ایران طی طوماری به این حکم اعتراض کرده اند.

همچنین جمعی از نویسندگان افغانستان، با امضای بیانیه ای، ضمن محکوم کردن حکم زندان برای این سه عضو کانون نویسندگان ایران، این احکام را «نقض آشکار آزادی بیان و قلم» اعلام کردند. در همین راستا انجمن جهانی قلم طی بیانیه ای نسبت به محاکمه بکتاش آبتین، رضا خندان مهابادی و کیوان باژن سه تن از اعضای کانون نویسندگان ایران ابراز نگرانی کرده است و این احکام را نقض آشکار حق آزادی بیان در جامعه اعلام کرده است.

- هفته گذشته جلسه رسیدگی به اتهامات اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، امیر امیر قلی، ساناز اله یاری، امیر حسین محمدی فر و علی نجاتی تحت عنوان آخرین دفاع در شعبه ۷ بازپرسی دادسرای اوین برگزار شد. بنا بر آخرین خبرها پرونده آنها

انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری
سر دبیر: خلیل کیوان
 ایمیل: anternasional@yahoo.com
 انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
 www.wpiran.org